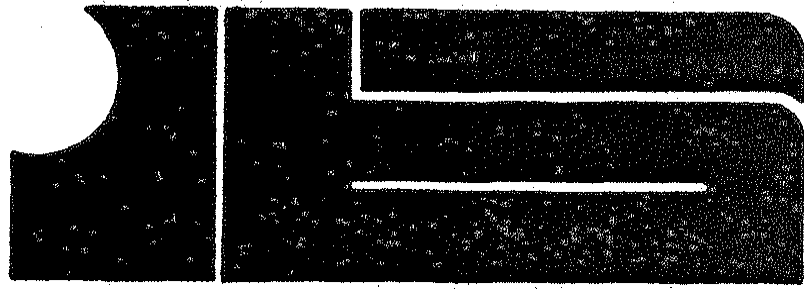


مبارزه ضد امپریالیستی
از مبارزه برای دموکراسی
جدانیست

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم - شماره ۹۷

پنجشنبه ۲۳ بهمن ماه ۱۳۵۹

۲۲ صفحه - ۳۰ ریال

سرکوب و حشیانه رژیم جمهوری اسلامی در مقابل سیل خروشان توده‌ها



پس از یورش مسلحانه رژیم جمهوری اسلامی به میتینگ میدان آزادی، جمعیت از هشت نقطه دست به راهپیمایی زدند، در این عکس بخشی از جمعیت در حال راهپیمایی از میدان آزادی بسوی میدان توحید است

تمامی مزدوران و جیره‌خواران رنکارکش کوفت .
با فرارسیدن سالگرد قیام پرشکوه خلق ورستاخیز سیا هکل ، از سوی سازمان ما از توده‌های خلق دعوت به عمل آمد تا جهت برگزاری هرچه باشکوهتر این روز بقیه در صفحه ۲۱

رژیم جمهوری اسلامی که دیگر قادر نیست توده‌های ناآگاه را جهت سرکوب نیروهای مترقی به میدان بکشانند به سرکوب هرچه صریح‌تر متوسل میگردد . استقبال پرشکوه و بی نظیر توده‌ها از دعوت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مشت محکمی برده‌ان رژیم و

مراسم ۱۷ بهمن دشمنان سازمان را بوحشت انداخت

بار دیگر حکومت جمهوری اسلامی چهره واقعی خود را به مردم نشان داد . انبوه وسیعی از هواداران - کارگران پیشرو ، زحمتکشان هوادار ، استادان ، معلمین ، دانشجویان و محملین انقلابی که روز جمعه ۱۷ بهمن ماه ، بمناسبت بزرگداشت سالروز قیام پرشکوه خلق و سالروز حماسه سیا هکل و تجلی‌نیل و ستایش از شهدای دلیر خلق ، بنا به دعوت سازمان چریکهای فدائی خلق در میدان آزادی گرد آمده بودند ، از همان ابتدا مورد هجوم‌های وحشیانه پاندهای سیا ه و نیروهای انتظامی و امنیتی رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفتند .

سرکوبگران رژیم که در جریان این عمل با مقاومت شدید هواداران مواجه شدند ، از هیچ اقدام بی‌شرمانه‌ای برای سرکوب و برهم زدن میتینگ که بعداً به تظاهرات خیابانی مبدل شد فروگذار نکردند . از تیراندازی بسوی تظاهرات کنندگان گرفته تا حملات ددمنشانه و ضرب و شتم بسویله چوب و چماق ، قمه و چاقو و پنجه بکس ، تا جفا بنکارانه ترین و وقیحانه‌ترین رفتار را و پناش حزب جمهوری اسلامی با زنان و دختران اعمال شکنجه در وسط خیابان ها و در مقابل چشمان مردم و سرانجام در حالی که از تعداد شهدا اطلاعی دقیقی در دست نیست ، دهها تن مصدوم و متجا وزا زبانه شدند دستگیر شدند .

این بود صحنه‌هایی که رژیم جمهوری اسلامی با شعار "استقلال و آزادی" ! در خیابانهای تهران بوجود آورد .

حوادث روز جمعه با زهم بی‌وضوح مردم نشان داد که چگونه حکومت جمهوری اسلامی عنبر غم تبلیغاتی که هر روز در باره استقلال طلبی و آزادیخواهی بسراهم میاندازد ، حتی از مراسمی که بمناسبت بزرگداشت سالروز قیام مسلحانه خلق و شهدای خلق برپا میشود ، هراسان شده و دست به هر اقدام سرکوبگرانه بسوی جلوگیری از آن میزند . مردم از خسود میهرسند پس آزادی جمهوری اسلامی در چه موردی مصادق پیدا میکند ؟ وقتی که مبارزه کارگران علیه سرمایه‌داران سرکوب می‌شود . وقتی که مبارزه دهقانان بقیه در صفحه ۲

در این شماره

● اخبار کارگری

● اخبار روستائی

● اخبار کردستان

● مردم چه میگویند ؟

کارکنان مناطق

جنگ زده با آوارگی و

یکباری دست

بگریانند صفحه ۱۵

دولت بزرگترین عامل

گرانی است

صفحه ۱۷

نابود باد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه خلیش



مراسم ۱۷ بهمن ...

بقیه از صفحه ۱

علیه زمینداران و ملاکین به خاک و خون کشیده می‌شود، وقتی که اعتراض مردم به بیکاری، گرانی و فقره ضد انقلابی خوانده می‌شود، وقتی که مبارزه برای آزادی بیان، اجتماعات و نظایر آن و حقوق دمکراتیک این چنین لگدمال می‌شود، جمهوری اسلامی وجود کسدام آزادی سخن می‌گوید؟

در این روز سازمان ما نشان داد که با قاطعیت و استواری، همچون گذشته در برابر تمام مستکبرهای رژیم خواهد ایستاد و علی‌رغم چالپوشی‌های اپورتونیست که مایوسانه امتیازاتی را برای خود گذاشتی می‌کنند، لحظه‌ای از مبارزه دفاع از مصالح توده‌های خلق دستاوردهای انقلاب مردم را نخواهد ایستاد. حال بگذارد رهبران جمهوری اسلامی موجی از افترا و تبلیغات دروغ را در مورد سازمان ما و نیروهای انقلابی و مترقی برای بیاندازند، بگذار هر چه میخواهند لفاظی و سخن پراکنی کنند هر چه میخواهند در مورد "مردم دوستی" خود به فریب و شیرینگ متوسل شوند، بگذار تا می‌توانند زندان‌ها را از فرزندان انقلابی خلق پر کنند، بگذار در عین شکست انقلابیون در خفا با آنها و میدان‌های شهر در مورد "تابنده" شکسته" هیا تهیای تحقیق ایجاد تشکیل دهند، اما مردم مبارز میهن ما با آنها "صحنه‌ها" نمی‌گذرد.

۱۷ بهمن که تنها گوشه‌ای از اقدامات ضد توده‌ای هیات حاکمه رابه نمایش میگذارد هیچگاه تبلیغات عوام فریبانه رژیم در مورد "استقلال و آزادی" را که شمار میلیونها سنی از توده‌های مردم برای سرنگونی رژیم شاه بود باور نکرده و بر آن مهر باطل می‌کوبند.

مردم چگونه می‌توانند باور کنند که رژیم جمهوری اسلامی از موضوعی انقلابی و در حال مبارزه با امپریالیسم آمریکا (این دشمن شماره یک زمینداران) است و در حالیکه هنوز هیچیک از قرار دادهای موجود با آمریکا در پیشگاه توده‌های مردم افتاد نگشته است. مردم امروز درک می‌کنند که وقتی گروگان‌های آمریکا شی بان فضا حمت و حقارت در آخرین روزها و حتی آخرین دقیقه زما مداری کارتر را در دست خود، استقلال طلبی جمهوری اسلامی به چه معناست. مردم امروز درک می‌کنند که وقتی دهقانان کاخک گنا با دبرای دفاع از حقوق خلق خود را جانب نیروهای مسلح رژیم به خاک کشیده می‌شوند، طرفداری رژیم از "مستضعفان" چیزی جز طرفداری از آنها در حرف و کشتار آنها در عمل نیست.

آنها وقتی که می‌بینند دهقانان ما برای کسب حقوق از دست رفته خویشو برای مبارزه علیه زمینداران بزرگ و برای زمین و آب، درگنبد و گردستان در فارس و خراسان، ده‌ها بار به گلوله بسته می‌شوند، آنها وقتی که می‌بینند زندگنی میلیونها تن از کارگران و زمینگشان در آذربایجان، فقر، گرسنگی و بی‌خانمانی، روبرو تباری و ناسود می‌آید، آنها وقتی که می‌بینند پس از قیام و سرنگونی رژیم شاه نیز، سرما به داران و تجار با چاپیدن خلق، هر روز سودهای سرشاری را به سوی خود سرازیر می‌کنند، چگونه می‌توانند ادعاهای رژیم را باور کنند؟

خلقهای مبارز میهنمان چگونه می‌توانند با مشاهده تمام این عوام فریبی‌ها و سیاستهای ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی را انقلابی و مردمی دانسته و سازمان ما را که طی سالهای طولانی مبارزات قهرمانانه‌ای را علیه امپریالیسم، رژیم مزدور شاه و تحق شعار استقلال، کار، رفاه، کسب، آزادی با انجام رسانده و خون مدها تن از شهدای فدائی را در راه آزادی و برپایی طبقه کارگر و توده‌های تحت ستم نشان کرده است، آنطور که رژیم تبلیغ می‌کند "وابسته به آمریکا" بدانند؟

آری اکثریت توده‌های مردم محروم ما، اکنون به اینگونه تبلیغات و تمهیدات رژیم که تنها بی‌نگر صف و زبونی و هراس‌وی از ریشه‌آگاهی مردم

و گسترش پایگاه توده‌ای سازمان ما است، باید به تسخیر می‌نگرند.

بسیاری از توده‌های مردم با حمایت از میتینگ و تظاهرات روز ۱۷ بهمن و نیز گشودن درهای منازل خود و پناه دادن به تظاهرات کنندگان، عملاً نشان دادند که نه تنها تبلیغات مضحک رژیم در مورد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را نمی‌پذیرند، بلکه حاضرند با پناه دادن به انقلابیون، عواقب احتمالی ناشی از آن را قبول کنند.

را دیوتلوویزیون و مطبوعات دولتی تا چند روز پس از انجام تظاهرات تبلیغات زهر آگین خود را علیه سازمان ادامه دادند، اما عکس العمل بخشهای وسیعی از مردم در کوجه و بازاریا پس حقیقت را آشکار می‌کرد که اینگونه تبلیغات هر روز بیشتر به ضد خود تبدیل میشوند.

اما در این میان بررسی چگونگی برخورد برخی از نیروهای سیاسی و موشگبری آنها در برابر نخستین حرکت گسترده سازمان در چند ماه اخیر حائز اهمیت فراوانی است. این نیروها با یک معنا، بی‌انگرموضع نیروهای مذکور نسبت به انقلاب و وظایف اساسی و بویژه خواستههای حکراتیک آن بود. حزب جمهوری اسلامی که بر حسب سنن ضد انقلابی خود، فالانژها و دستجات لایمن و چماق‌دار را برای حمله به تظاهرات، اجتماعات و میتینگ‌ها سازماندهی و رهبری می‌کند و طبق روال همیشگی اش خنده‌آورترین دروغها را سر هم بندی کرده و تبلیغ می‌کند، گویند تا قاضی را مطلقاً وارونه جلوه داده و تظاهرات کنندگان را عامل و مسئول درگیری‌ها معرفی کنند.

ارگان رسمی این حزب حتی کلماتی هم در باره حمله وحشیانه فالانژها و چماق‌داران نسبت پرورده خود نویسنده شلیک با سداران و فراد کمیت سوی جمعیت، ننوشت، روزنامه جمعیوری اسلامی بمانند روزنامه‌های گوش فرمان رژیم شاه، سعی کرد تا این حرکت رابه خرابکاران و عوامل ضد انقلاب مربوط نموده و ضمن سکوت درباره اهداف این گروه‌های بزرگ، انبوه و جمعیوری را گروهی محدود نامید، این حزب عوام فریب که ویژگی سیاستهای سرکوب، محو آرزوهای سیاسی و حقوق دمکراتیک توده‌هاست و بیش از پیش با یک گناه توده‌ای خود را از دست می‌دهد این موضع گیری با ردیگر دشمنی آشکار خویش را با نیروهای انقلابی، عیان کرد، تبلیغات بود و روغهای - شاخدار - این حزب، آنچنان ناشیانه و احمقانه صورت گرفت که تنها ماهیت عوام فریبانه و ضد انقلابی خود را با ردیگر آشکار ساخت.

از سوی دیگر جناح دیگر هیئت حاکمه یعنی لیبرالها نیز با محکوم نمودن این حرکت و سکوت در برابر حملات نیروهای مسلح رژیم به میتینگ و تظاهرات نشان دادند که در مفهومی دروغین شان از آزادی به چه مفهومی است، اکنون دیگر برای بسیاری از مردم روشن شده است که وقتی که پای منافع طبقاتی لیبرالها در میان باشد با حزب جمهوری اسلامی بکدل و بگریان هستند و مبتنی بر وحدت "بین آنها غده ناپذیر است! چماق‌داری و شکنجه زمانی را دوباره آفای بنی‌صدر و شرکایش را در می‌آورد که چماق - داران علیه او و وی با سایر لیبرالها اقدام کنند.

حزب توده‌ها بین حزب سازش، که استانبولی بورژوازی را پیشه ساخته و برای حفظ سازمان علمی و روشنفکرانه غلظی از هیئت خبیثی نسبت به جنبش خلق فروگذار نمی‌کند در ورق - پاره "نام مردم" سرویسینه زنیان بدنبال حزب جمهوری اسلامی روان گشته و با اتخاذ بی‌شرمانه‌ترین موضع، میتینگ و تظاهرات ۱۷ بهمن را توطئه ضد انقلاب نامید، هجوم فالانژها و حمله مسلحانه با سداران به توده‌های شرکت کنندگان ره‌مشیری انقلابی سپه‌سازها با سداران اعلام نمود، در واقع ما نیز

از این حزب که در شما دشمنان دیرینه سازمان ما قرار داشته و جاسوسان نسی نظیر مهابین شهرپاری (مرد هزار چهره) و رهبرانی چون یزدی و بهرامی و شرمینی ها را در دام خود پروراند و انتطاری بیش از این نداشتیم. حزبی که قیام مردم تبریز را در ۲۹ بهمن ماه توطئه ساواک نامید، مبارزات خلقها برای بکف آوردن حقوق دمکراتیک و ملی خویش را محکوم می‌کنند چریکهای که مبارزات کارگران حتی برای احقاق حقوق صنفی خویش را توطئه آمریکایی خوانده و حرکت دهقانان برای تشکیل شوراهای مستقل و مبارزه را فراموشی زمینداران بزرگ را آثار رژیم می‌نامد، بطریق اولی اقدام دمکراتیک سازمان در برپایی میتینگ ۱۷ بهمن نیز می‌بایست تحت عنوان "توطئه ضد انقلاب" محکوم می‌گردید! دروغ بی - شرمانه این جریان که می‌نویسد: "این گروه‌ها که عده بسیار زلفیلی را جمع کرده بودند، سعی داشتند با انفجار ترقه و سنگ اندازی مردم رابه درگیری بکشند و مردم را هوشیاری انقلابی آرامش خود را حفظ کردند... این با صلاح تظاهرات که بقصد ایجاد آشوب و درگیری در تهران برنامهریزی شده بود... بیان کننده اوج انحطاط و پوسیدگی آنست. این تعریف خائنه و مزورانه وقایع که حتی روی حزب جمهوری اسلامی را سفید می‌کند، برای دهها هزار تن شرکت کننده بهتر است گواه خبیثت پیشگی "حزب توده" است.

"کمیت مرکزی و با آنطور که معمولاً نامیده می‌شوند چماق‌داران اکثریت نیزه پیروی از پیشگامان خود در "حزب توده" هستند و لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی این حرکت را محکوم نموده و خدمت به لیبرالها خوانند! از نظر آنان هر حرکت، هر اعتراض، هر مبارزه و هر جنبش حق طلبانه از آنجا که در شرایط کنونی جناح مسلط حاکمیت یعنی حزب جمهوری اسلامی را تضعیف کرده و بسود لیبرالها است، اقدامی ضد انقلابی و توطئه گرانه می‌باشد. آنها بدتاکتون هیچ چیز را در از مبارزات خود آنان و از جمله درخواست‌های آنان با این گناه: "با سداران باید به سلاحهای سنگین مسلح شوند" نتوانسته است تا هیئت سازشکارانه و تسلیم طلبانه آنان را بر ملا کند، این جریان که مدتهاست راه ارتداد و خبیثت و زربیانها در کلیه سنن مبارزاتی و انقلابی فدائیان خلق را در پیش گرفته و با وجود پذیرفتن سیاستهای حزب توده، هنوز خود را مزورانه به فدائیان خلق منتسب می‌کند، با آن فعالیت تبلیغی سازمان در برپایی میتینگ ۱۷ بهمن گامی فاج و بهت زده شد، آنان که هیچگاه چنین فعالیت‌های طرفیت و انرژی ای را از سازمان انتظار نداشتند، ناگهان عکس العمل خشکمانا خود را حساب غم و ابرازانجا توده‌های سرسرا بران گزارده! میتینگ ۱۷ بهمن را بعنوان اقدامی ضد انقلابی محکوم کردند.

آخر آنها، از ابتدای جدائی با استفاده از امکانات تبلیغی ایکه در اختیارشان قرار داشت از ما بعنوان ۲ یا ۳ درصد از اعضای سازمان نام برده بودند! آنها تلاش کرده بودند تا با توسل به نام فدائی که ارزش والای هر بی زمینگشان ایران دارد ما هیئت سازشکارانه خود را از نظر توده‌ها پنهان داشته و در ازای خوش خدمتی به بهشتی‌ها، رفسنجانی‌ها و آیت‌ها، امتیازاتی را برای خود دست و پا کنند. اما این دولتی و سیاست انقلابی، ایمان به توده‌ها و پشتکار را فدای رفقای سازمان و هزاران تن از هم‌واداران سازمان مشت محکمی برده‌ان با وه گوی آنان وارد کرد.

ما به آنها اجازه ندادیم که اعتبار نام فدائی را که خون مدها شهید فدائی و ده سال مبارزه خویش و دلورانسه پشتوانه آنست، دستمایه سازش خود با محافل هیئت حاکمه کرده و توده‌ها را به گمراهی سوق دهند.

استقبال توده‌های مردم از دعوت سازمان به میتینگ ۱۷ بهمن که حتی گسترده تر از گذشته می‌نمود و روشنی

پیام خانواده‌های فدائیان شهید

هم میهنانم، جگرگشنگان مبارزم، فرزندان رزمنده‌ام، فدائیان خلق، هواداران خلق، کارگران مبارزه، دهقانان مبارز دانشجوئیگان و دانش آموزان دلبنده لگورم

پیام خانواده‌های فدائیان شهید را بشتویید. پیام ما را بشتویید. این پیام، پیام قلب‌های داغدار است. پیام آتش است، پیام خون است. پیام رزم دلورانه است. پیام مبارزه و مقاومت است. پیام شیربازان هاست و پیام خون‌های فروریخته در کوجه‌ها و خیابان هاست. پیام باهای خون‌لود و شکنجه شده است. پیام پوست و گوشت سوخته شهید فرزندان دلورماست. پیام خونین و شکوهمند قیام سلحانه خلق است در بهمن ماه پنجاه و هفت، پیام برستاغیز خونین سیا هکل است در بهمن ماه چهل و نه که در آستانه سالگرد قیام شکوهمند خلق و رستاغیز خونین سیا هکل از زبان من نشنیده می‌گردد.

فرزندان رزمنده‌ام، هم میهنان مبارزم، پیام ما دران شهیدان، پیام اوچگبری مبارزه، طبقاتی است. پیام بشیربازان سرخ کارگران است. پیام رهائی زحمتگشان، پیام رزم قاطعانه، اردوی کار و زحمت است. پیام سازش ناپذیر و بیگناهی اسان است. داغ سوزان ما دران شهیدان راه خلق، چشم‌وکینه خلق و فدائیان خلق را شیرتر می‌کند و آتش ایجاد پیروزی خلق و عشق به آرمیگان زحمتگشان را در قلب مبارزه خلقی دامن می‌زند.

ما، ما دران شهیدان فدائیان در حالیکه در این میتینگ گرد آمده ایم ضمن ابرازانجا رونق و عزت آرزوهای سرکوبگرانه، دولت و دعوت خلق به مبارزه و مقاومتی متشکل ترا اعلام می‌داریم:

مفوف مبارزه و مقاومت خلق تنها زمانی قدرت واقعی خود را بازمی‌یابد که همزمان با افتاء سرکوبگران حاکم و مبارزه در راه حقوق و آزادیهای دمکراتیک، فرمت طلبان و سازشکاران خبیثت پیشه را از درون مفوف خود طرد کنند و مبارزه واقعی با امپریالیسم چیزی جز مبارزه در راه دفاع از دستاوردهای قیام و مبارزه برای نابودی سرما به‌داری وابسته نیست.

خون فدائیان شهید، خون تمام شهیدان راه خلق، خون شهیدان قیام و رستاغیز سیا هکل هم اکنون هر قلب این میتینگ می‌خوشد و بر ماست که این خون "جوشنده و ایام بخش را پاس داریم و به پاس خون شهیدان فریاد برکشیم.

پیام ما درکنار پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، بدون تردید الهام بخش و رزم خلق و دلوران - پیتا هک خلق است و این پیام ساز بدوچ ترهید به سنگینی پتک گران کارگران و دانش بلنددهقانان بر میخیزد سازشکاران کوفته می‌شود. سازشکارانی که نام فدائی، نام مدها شهید فدائی را به صرفت برده اند و بیاعتبار انقلابی نام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و پشتوانه مبارزه فدائیان شهید به تجاریه سیا مشغولند و کارشان زد و بند و سرکوبگران خلق است بقیه در صفحه ۳

نشان داد که حفظ ارزش‌های انقلابی سازمان و پیشبرد سیاسی صحیح و اصولی هیچگاه نمی‌تواند برای همیشه و بوسیله‌های وهی اپورتونیستها پوشیده بماند. ما ایمان داریم که بنا تلافی خستگی ناپذیر و قلبی سرتار از عشق به طبقه کارگر و توده‌های خلق بکارگیری اخلاقانه و صلح ایبدنولوژیک پرولتاریا و تمحیح خطا‌های خود به موفقیت‌های بیشتر دست خواهیم یافت.

اعتراض کارگران ماشین سازی تبریز علیه یاوه گویی های مدیران

کارگران کارخانه ماشین سازی تبریز، تصمیم مدیریت را مبنی بر لغو سود ویژه و بازپس گرفتن سود ویژه دو سال گذشته که کارگران دریافت کرده اند، منتفی کردند.

دو هفته قبل در کارخانه ماشین سازی تبریز خبری پخش شد. مبنی بر اینکه کارگران باید سود ویژه دو سال گذشته را پس بدهند. کارگران یکبارچه دست به اعتراض شدیدی زدند و آنقدر مدیریت را به وحشت انداختند که او از بلندگوی کارخانه، خبر مذکور را تکذیب کرد و "مدنی" امام جمعه تبریز نیز آنها را تکذیب کرد. کارگران در این رابطه میگویند: "آنها میخواهند با این حرف، عکس العمل ما را ببینند بعد طرحشان را در همه جا پهناده کنند. ولی کور خواندند! ما تمام سود ویژه امسال را هم خواهیم گرفت." کارگران کارخانه های دیگر هم وقتی از ماجرا باخبر میشوند همدا با کارگران ماشین سازی میگویند: "از وقتی شورا های ما را منحل کرده اند، ما خیلی مدارا کردیم دیگر صبرمان تمام شده، ما هم مثل همه کارگران سود ویژه را که قسمتی از حقوق پرداخت نشده ما ست خواهیم گرفت." پیروز باد مبارزات متحدانه و متشکل کارگران مبارز و قهرمان کارخانه جات تبریز!

مبارزه کارگران جنرال استیل علیه مدیرعامل

کارگران کارخانه جنرال استیل در دفاع از شورای واقعی خود، مصمم و یکبارچه در مقابل دسیسه چینی های مدیرعامل مقاومت می کنند.

شورای کارگران کارخانه جنرال استیل که بعد از مبارزات پیخیر کارگران و با انتخاب خود آنها جانشین شورای فرمایشی قبلی شد، تصمیم گرفت تا احقاق حقوق واقعی کارگران، از خروج معمول آلومینیوم از کارخانه جلوگیری کند. مدیرعامل کارخانه (نعمت زاده) شدیداً با اینکار مخالفت می کند و با خبر دادن او به افسران به کارخانه می ریزند و یکی از نمایندگان کارگران را دستگیر می کنند. کارگران، متحد و یکبارچه از شورای کارخانه دفاع کرده و سرانجام توانستند نماینده خود را آزاد کنند. در ضمن قرار می شود نعمت زاده و پیوسته نماینده از وزارت کار، بوضع کارخانه رسیدگی کنند، روزیست و چهارم دیماه



اخبار کارگری

جلسه عمومی تشکیل میشود و کارگران دست به افشاکاری نعمت زاده، معاون او (قره باغی) و فرد دیگری که اصلاً در آنجا کار نمی کنند اما حقوق می گیرند، میزنند. مدیرعامل شورا را کمونیستی میخواند و میگوید "همانطور که در مقابل کارگران کانا داری مقاومت کردم (ماجرایی که منجر به شهادت یک نفر و زخمی شدن عده ای از کارگران شد) در مقابل شما هم مقاومت خواهم کرد. کارگران فریاد اعتراضی خود را بلند می کنند و با غریب یکبارچه "مرگ نعمت زاده" دیگر به او اجازه صحبت نمیدهند.

کارگران متحد و مبارز جنرال استیل مصمم اند از حقوق حقه خویش دفاع کرده و مزدگوران سرمایه را سر جای خود

در کارخانه تکنوکار

شورای کارخانه تکنوکار، جلسه مدیر و دست اندرکاران سازمان برنامه و بودجه را ائتلاف کردند. چندی پیش با زرسی از سازمان برنامه و بودجه به این کارخانه آمد و با دو نفر که مدیر کارخانه آنها را بعنوان اعضای شورا معرفی کرده بود ملاقات کرده و درباره کارخانه و شخص مدیر سؤالاتی کرد، دو نفر مذکور هم که از قبل از طرف خود مدیر انتخاب شده بود، به سئوالات مطابق میل مدیر پاسخ دادند. در موقع خروج با زرسی از کارخانه، اعضای واقعی شورا جلو او را گرفتند و می گویند: "ما نارحود یکسال ونیم است که با مدیر کارخانه درگیری داریم." با تحقیقاتی که شورا بعمل آورد معلوم شد که با زرسی

مذکور، فامیل مدیر کارخانه است و آمده بودند درباره عملکرد مدیر گزارشی جهت تحکیم وی تهیه کنند!

در کارخانه "زینکاج" کارگری بعلت قطع دستش فوت کرد.

کارگری هنگام کار با قیچی برقی دستش قطع میشود. و بعلت بی توجهی کارفرما و مسئولین کارخانه از شدت خونریزی فوت میکند. کارگران میگویند: "داشتن وسایل ایمنی، بهداشتی، آمبولانس و... حق مسلم ماست."

شوراهای واقعی مورد حمایت کارگران است.

شورای کارگران شرکت حمل و نقل "ترانس کنتینا نتال" (بلوچ) موقعیت هائی در زمینه احقاق حقوق کارگران شرکت بدست آورده است و کارگران متحد و متشکل از آن پشتیبانی میکنند.

کارگران این شرکت توانستند مدیر قبلی شرکت را که تمام سود حاصل از کار آنها را برای صاحب فراری شرکت به بخارج از کشور می فرستاد، و او را به کناره گیری کنند، اما مدیر فعلی بنام (رضائی) هم دست کمی از او ندارد و برای انحلال شورای کارگران توطئه میکند. اما کارگران که اخیراً توانسته اند شورای واقعی خود را جایگزین شورای فرمایشی قبلی کنند در مقابل توطئه های او ایستادگی کرده و مصمم هستند با حمایت از اقدامات مبارزه چوپا نه شورا علیه مدیریت، شورا را قادر سازند تا هر چه بیشتر حقوق از دست رفته آنها را از مدیران فدکارگر بگیرد.

شورای شرکت (بلوچ) تاکنون توانسته است مقداری از عواید مدیر عامل را برکنار کند و اکنون قصد دارد - فوق کارگرانی را که از ۲۵۰۰ تومان کمتر است افزایش داده و نیز حقوق کارگرانی را که بوسیله مدیرعامل جدید کم شده است، به آنها بازگرداند.

مبارزه پیروزمند کارگران شرکت "دی"

کارگران شرکت ساختما نی "دی" ضمن موفقیت در تشکیل شورای واقعی خود، موفق شدند بنیاد مستضعفین را برای پرداخت چهار ماه حقوق عقب افتاده خود وادار به عقب نشینی کنند. کارگران این شرکت که چهار ماه بود

بقیه در صفحه ۴

برای مقابله با توطئه های سرمایه داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...)

هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم



بقیه از صفحه ۳

حقوق نگرفته بودند روز دهم دیماه برای دریافت حقوق و تعیین تکلیف خود به دفتر مرکزی بنیاد مستضعفین (شرکت تابع بنیاد است) مراجعه کردند. مدیران جدید شرکت (کلای - رضوانی) که از طرف بنیاد منصوب شده اند، طبق معمول جواب سر بالا دادند. یکی از کارگران که به خشم آمده بود با "کلای" گلابی زد گفت: "شنیده ام قبلا برای یک کارگر کلت کشیده ای!" مدیران در مقابل اتحاد کارگران به وحشت افتاده بودند و کارگران برای تحقق خواست خود مدیران را به گروگان گرفتند.

با اوج گرفتن اعتراض کارگران و پاسداران بنیاد به اتاق مدیران ریختند ولی وقتی با خشم و اتحاد آهنین کارگران روبرو شدند فرار را برقرار ترجیح دادند. کارگران یکی از مدیران را به بنیاد برده و اعلام کردند فقط در مقابل پرداخت حقوقشان، مدیر دیگر را آزاد خواهند کرد. بنیاد ناچار شد با خواست کارگران موافقت کند و ضمن پرداخت یکماه حقوق کارگران، تعهد کرد که بقیه مطالبات کارگران را هم بپردازد. کارگران شرکت "دی" که در این مرحله از مبارزه پیروز شده بودند، با تشکیل شورای واقعی کارگران به پیروزی دیگری دست یافتند.

• اخباری از کارخانه کنسروسازی رشت مسئول مرگ این کارگر کیست؟

یکی از کارگران کارخانه کنسروسازی از بالای یک ساختمان چند طبقه سقوط کرده و بدلیل نبودن وسایل ایمنی در کارخانه جان سپرد. این فاجعه، آتش خشم کارگران را شعله ور ساخت و برای چند ساعت دست از کار کشیدند و دسته جمعی بسوی کارگزینی حرکت کردند و خواستار برپا ساختن مسئولین شدند. کارگران خشمگینانه فریاد میزدند: "مسئول مرگ این کارگر کیست؟ چرا یک مسئول در اختیار کارگران نیست؟ جان کارگران برای شما هیچ ارزشی ندارد! شما برای کارگران چکار می کنید؟.....؟.....؟ داشتن وسایل ایمنی و اوردن وسایل پزشکی در کارخانه ها از حقوق مسلم کارگران است.

دستگیری و اخراج کارگران انقلابی

اعتماد چند ساعت کارگران کارخانه کنسروسازی رشت بخاطر مرگ

یکی از کارگران موجب اعتراض کارفرمای ضد کارگر می شود. او با اشاره به ممنوع بودن اعتصاب، کارگران را تهدید میکند. این تهدید، خشم کارگران را بیشتر میکند و دست به افشاکاری وسیعی درباره ما هست لایحه منع اعتصاب میرسد. کارگری میگوید: "برای اعتصاب بیون ۳ تا ۱۰ سال زندان در نظر گرفته شده، ولی باید پرسید چه کسانی باعث اعتصاب و کم کاری میشوند؟ وقتی حقوق حق کارگران پرداخت نمیشود، و هرگونه حرکت اعتراضی سرکوب میشود وقتی سرمایه داران بر جان و مال ما مسلط هستند، اعتصاب حق ما است، ما با اعتصاب میتوانیم حقا را از کارفرما بگیریم. کارفرما و دست نشاندها نش که ادامه اعتصاب را به ضرر خود میدیدند توطئه شومی را علیه کارگران تدارک دیدند. لیستی از نمایندگان مترقی و کارگران مبارز و پیشرو تهیه کردند. تبلیغات شدید ضد کمونیستی و موجی از ارباب و تهدید و دستگیری برآه انداختند. پاسداران مسلح به کارخانه ریختند و کارگران آگاه و انقلابی را دستگیر کردند. شبانه به خانه کارگران یورش بردند. ماشین سرکوب باندهای سیاه را برآه انداختند و نمایندگان واقعی کارگران را مدموم و مضروب کرده و کارگران انقلابی را به جرم داشتن عقاید سیاسی اخراج کردند و دستگیر شدگان را به زندانهای قصر تهران و ساری فرستادند. ولی کارگران با تمام قوا میگویند جوسرکوب و خفقان را شکستیه و این مزدوران سرمایه را افشاکند کارگران کارخانه کنسروسازی و سایر کارخانه های که با چنین مسائلی روبرو هستند، باید کوشش کنند با اتحاد و مبارزه کارگران را خراجی را بر سر کار با زگردانند و با تشکیل شورا های واقعی خویش از اقدامات ضد کارگری کارفرمایان جلوگیری کنند.

• تلاش دولت برای انحلال شوراهای کارگری

رئیس جمهور، وزارت کار و روز میخواستند "به هر قیمتی شده" شوراهای کارخانه ها را منحل کنند! چندی پیش از طرف وزارت کار نامه محرمانه ای برای مدیران کارخانه ها فرستاده شده بود و از هیئت مدیره دعوت بعمل آمده بود که در هتل هیلتون در طسه ای با شرکت رئیس جمهور و چند تن از وزیران شرکت کنند. در این جلسه حدود ۱۰۰ نفر از مدیران و ماخیان صنایع گذشته و حال شرکت داشتند و تمام صحبت ها در مورد شوراهای و واگذاری صنایع به صاحبان قبلی آنها دور میزد. آقای نعمت زاده وزیر کار کا بینه قبلی وزیر صنایع و معادن فعلی (که بخش عظیمی از کارخانجات ملی شده زیر پوشش این وزارت خانه است) از مدیران کارخانه ها مصرا نه میخواست، بهر قیمتی که شده شوراهای را منحل کنند!!

چند روز بعد، در اجرای همین تصمیم از طرف وزیر صنایع و معادن، بخشنامه ای به کارخانه کفش (بلا) فرستاده میشود که در آن شوراها خیانت محص، و شورای (بلا) خلافکار خوانده شده است.

• کارگران، پاسداران دزد را دستگیر کردند

پاسدارانی که شبانه برای دزدی از دیوار کارخانه ما کارونی سازی بالا رفته بودند، توسط کارگران همان کارخانه دستگیر شدند. در کارخانه ما کارونی سازی فرک ورامین مبلغی حدود ۶۰ هزار تومان پول نقد وجود داشت. پاسداران - کمیته وقتی از این قضیه اطلاع می یابند شبانه برای دزدیدن پولها از دیوار بالای روند، اما کارگرانی که شب را در کارخانه می خوابند متوجه میشوند و آنها را تعقیب میکنند. بدنبال دزدان وارد کمیته میشوند! کارگران میگویند که اینها برای دزدی به کارخانه آمده بودند ولی دزدان میگویند که ما برای دستگیری افغانی ها می که در کارخانه هستند آمده بودیم! کارگران میگویند: پس چرا از دیوار آمدید و بعد هم فرار کردید؟ دزدان این جا دیگر پاسخی نداشتند. کارگران که همه این پاسداران دزد را شناختی کرده بودند مصرا نه خواها ندستگیری و مجازات آنها بودند. سرانجام نیز مسئولان کمیته در مقابل یافشاری و افشاکاری کارگران مجبور شدند به دزد بودن پاسداران خویش اعتراف کنند، علی الظاهر آنها را دستگیر و تحویل کمیته مرکزی دادند.

• پیام خانواده های فدائیان شهید

هم میهنان مبارز! در حالیکه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پرچم خونی شهیدان و آرمان رهائی بخش کارگران را اینجا به بزرگداشت جنبش انقلابی خلق و رستاخیز پیشگامان فدائیکارش برافرازد میتینگ برافراشته است و در حالیکه حضور ما در این میتینگ نشانه پرشکوه تداوم انقلاب و دفاع شکست ناپذیر از دستاوردهای قیام خونین بهمن ماه است. سازشکاران، که برخودن نام اکثریت نهادها ندوبه دروغ نام فدائی به خود بسته اند زیر علم قاتلان توماچها، رشوندها، تریمی ساها و میرشکاری ها و دهها فدائی شهید دیگر سینه میزنند و عملا به جنبش انقلابی خلق خیانت میکنند.

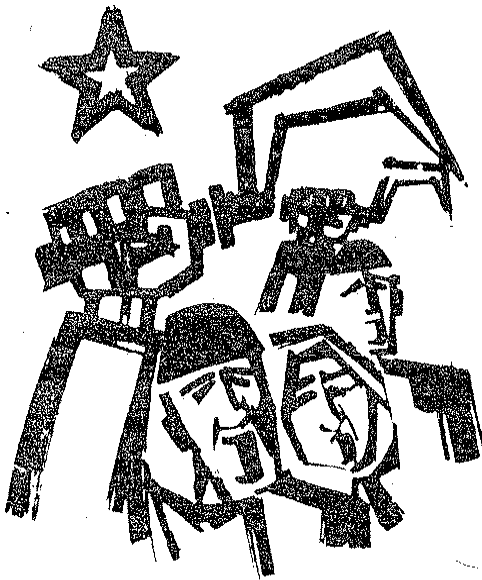
باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه ها برچیده شود

خوش نشینان روستاهای سه ماله و سیدان (از روستاهای شوشر) موفق شدند در سایه اتحاد و مقاومت زمینهای مالک را مستقلا و به نفع خود بکارند

در تاریخ ۱۴/۹/۵۹ خوش نشینان روستاهای سه ماله و سیدان (بخش عقیلی شوشر) با اقدامی انقلابی زمین را به وسعت ۵۰ هکتار که در اختیار مالک بی بنام عسکری بوده و بصورت "سهمی" گذاشتند.

این مقدار زمین را تا سال ۴۸ کشاورزان منطقه عقیلی بصورت سهمی کشت برنج میکردند. ولی بعد از اصلاحات ارضی تا هانه کد به ورشکستگی کشاورزان انجامیدد هفتاد و نه نفر از این منطقه به علت بانوائی در کاشت و آبکده دولت ضد خلقی شاه با وارد کردن برنج - آمریکا - عملاً "بشورشکستگی" این کشاورزان گردید و نتوان از کاشت برنج کاری زمینها را کرده و به کار در شرکتها مشغول گردیدند. این قطعه زمین بتصرف مالکی بی نام عسکری درآمد. بعد از قیام خوش نشینان به بقیه در صفحه ۶

گزارشهای روستائی



چگونگی انتخابات شورای ده در روستای خضرو

روستایان با مقاومت و اتحاد، نمایندگان محلی را تعیین کردند و نمایندگان واقعی خود را برگزیدند. رور پنجشنبه ۲۷/۹/۱۳۵۹ عده ای از طرف ستاد برگزاری انتخابات استان آذربایجان به روستای خضرو از توابع عجبشیر آمدند تا انتخابات

شورای اسلامی ده را انجام دهند و از روستائیان خواسته شد که در حدود ساعت ۲ بعد از ظهر در مسجد جمع شوند. هنگامیکه روستائیان در موعد مقرر در مسجد جمع شدند، "شورایان" که با چند پاسدار مسلح آمده بودند در مسجد را از دست بستاندند و تمامی روستائیان حاضر در مسجد را نوشتند. قبل از انتخاب نمایندگان، توسط "شورایان" اعلام شد که کسیکه انتخاب میشوند نباید در رژیم گذشته فعالیت کرده باشد. اما وقتی ۱۰ نفر کاندیدا بوسیله خودشان اعلام شد معلوم گردید که همه از بالانشینان مسجد بوده و اغلبشان نیز در رژیم گذشته با ساواکی بودند و بیا رستنا حیزی و با اینکه در کارهای مربوط به خرجی روستائیان با عمال رژیم گذشته فعالیت داشته اند که در این رابطه روستائیان دست به اعتراض زده و گفتند ما انتخابات نمیخواهیم و وقتی خوانند مسجد را ترک کنند رئیس پاسدارها به پاسداران آماده باش داده و گفتند هر کس از مسجد بیرون برود او را دستگیر کنید. تا من بعنوان خدا بقلاب بکشد دادگاههای انقلاب معرفی اش کنیم. اما با وجود همه تهدیدها و توهینها که به روستائیان میکرد در مقابل اتحاد و مقاومت روستائیان عقب نشسته و قبول کرد که باید ۱۰ نفر کاندیدا معرفی کنند کاندیدا معرفی شود و بوسیله کمیته انتخابات پایان یافت معلوم شد که اکثر انتخاب شدگان بوسیله خود روستائیان از همان ۱۰ کاندیدای پائین مسجد هستند که اغلبشان نیز از کارگران و روستائیان روستا میباشند.

موفقیت اهالی روستای کله محمد آباد در تشکیل شورای واقعی

اهالی زحمتکش روستای کله محمد آباد حومه بجنورد، شورای روستا را که مرکب از زمینداران و افراد متنفذ بود منحل کردند و شورای واقعی خود را تشکیل دادند.

از مدتها پیش اهالی روستای سه ماله و سیدان و روستاهای عقیلی شوشر بزرگ شده بودند تا اینکه در اوایل خرداد ماه، اهالی متوجه شدند که مقدار زیادی از سهمیه نفت و سیگار و دیگر مایحتاج روستا، دزدیده شده است. اهالی از اعضای شورای فرمانداری و دیگر نهاد های دولتی شکایت میبرند و در ضمن ماهیت اعضای شورا را نیز افشا می کنند. مردم خواستار انحلال شورا میشوند شورا هم در مقابل، مردم را ضد انقلابی میخواند. ولی اهالی روستا با آگاهی و اتحاد خود، توانستند این شورا را منحل اعلام کرده و شورای واقعی خود را تشکیل دهند. در ضمن توانستند اجناس دزدیده شده را هم از شورای سابق پس بگیرند.

ماجرای تشکیل شورای اسلامی در روستای "نظر لومی" شبستر

درفکران و تا من معاش فردای خویش هستند عیاراتی بوج و رویاهای دورو - دراز بنظر میبرند! اما فرمانده پاسداران وقتی از سخنان شگرف خود نتیجه ای نمیگیرد تا امیدوار و وعده و وعدهها و سخناری نهاده و زبان بر تهدید و توهین میکشاید و در خاتمه دنیا لسه سخنان خویش را بعلت دیر وقت بودن به فردا که دوباره بروستا باز خواهند گشت موکول میکند. فردای آنروز بیش از ۱۰ پاسدار با ۲ لندرو رویک تا کسی با رواد روستا نماند. پاسداران به مجرد ورود به روستا، اهالی را با حیا در مسجد جامع "نظر لومی" جمع کرده و تمام درهای خروجی مسجد را بسته و در مقابل هر درب خروجی پاسدار مسلحی را میگذارند تا از خروج روستائیان از مسجد جلوگیری کنند! پاسداران روستائیان را کرده و میگویند اکنون میتوانی ۱۰ نفر از بخش پائین ۱۰ نفر از بخش بالای روستا کاندیدا کنی و تمامی کاندیدها را در بقیه در صفحه ۶

پاسداران کمیته مرکزی شوراها را دهفانی تبریز روز بیستم آذر ماه بقصد انحلال شورای روستای "نظر لومی" شبستر و ایجاد شورای اسلامی عازم روستای مزبور شدند. شورا در اردیبهشت ماه تشکیل شده بود و بهانه انحلال شورا این بود که کودکان و نوجوانان تراکتور را هر لیترسه ریال کرایه فروخته است. فرمانده پاسداران اعزامی بعد از گرد آوردن مردم بالای منبر رفتند و اهالی روستا را به وحدت کلمه دعوت میکنند فرمانده پاسداران در آغاز به سخنرانی میپردازد. بدون اینکه به روستائیان نظر لومی توضیح دهد که بالاخره در این مملکت مشکل روغن نباتی، قند، برنج، نفت و... از یکطرف و مشکل آب و زمین، بدروکود، تراکتور، گازوئیل برای روستائیان از طرف دیگر، کی و چگونه حل خواهد شد؟ دربار آرزوهای چون تلفن و جاده آسفالتی برای روستائیان جمله پردازی میکند که این سخنان برای زحمتکشانی که

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

خوش نشینان روستاهای ...

بقیه از صفحه ۵

امید اینکه تغییر در زندگیشان رخ خواهد داد و صاحب کار یا قطعه زمینی خواهند شد، به انتظار اقدامات دولت نشیندولی در جریان عمل دیدند که نه تنها هیچ قدمی در جهت حل و رفع مشکلات خوش نشینان برداشته نشده، بلکه روز بروز وضعیتشان بر اثر بیکاری، گران شدن، بدتر میگردد. گروهها و هیئت هایی جهت نظارت بر وضع خوش نشینان در رابطه با تقسیم زمین و دادن قطعه زمینی جهت کاشت به خوش نشینان به منطقه می آمدند ولی خروجی و وعده خوری در کار نبود. این وضع خوش نشینان را به تنگ آورده بود. هفت ۷ نفره و آگاهی زمین هم بواسطه کژی از مشکلات اینان حاصل نگید که هیچ دستور آیت الله خمینی مبنی بر اینکه به علت شرایط حساس جنگ و احتیاج کشور به کشت ثلث بیشتر مالکین هم میتوانند زمینهایی را که در اختیار دارند بکارند عملاً به توده های زمینکن و محمله خوش نشینان نشان داد که این دولت جمهوری اسلامی نه تنها قدمی در جهت حل مشکلات اینان برداشته بلکه با استفاده از شرایط جنگ و پیش کشیدن مسئله احتیاج کشور به کشت و تولید بیشتر باریک گردید سیاستهای فربکارانه خویش را در به اصطلاح دفاع از مستضعفین و در عمل دفاع از منافع سرمایه داران زمین داران بزرگ را نشان داد و باعث گردید که دیگر خوش نشینان از اقدام دولت در زمینه حل مشکلات خویش قطع امید کرده خود را با " دست به کشت زمین بزنند. این حرکت انقلابی به این شکل آغاز شد.

خوش نشینان در روستای سه ماله رسیدن طبق قرار زمین به مساجت ده هکتار را که در اختیار مالکی بنام عسکری بود گذاشتند این قرار به این ترتیب بود که ابتدا خوش نشینان روستای سه ماله قسمتی از زمین را بکار بند و خوش نشینان روستای سیدان از آنها پشتیبانی میکنند. و همینطور بقیه زمین را خوش نشینان سیدان بکار بند و خوش نشینان روستای سه ماله از آنها پشتیبانی کنند. روز چهارم آذر حرکت آغاز شد البته قبلاً خوش نشینان پیش بینی میکردند که با مقاومت مالکین این دور روستا (عسکری کریمی موسوی) مواجه خواهند شد، لذا با خوب و بیل خود را برای دفاع از عمل انقلابی خویش در قبال زورگوییهای مالکین آماده کرده بودند. خوش نشینان سه ماله با پشتیبانی خوش نشینان سیدان علی رغم مقاومت مالکین و عواملشان سهم خویش را کاشتند. در حالیکه تراکتورها مشغول شخم زمین بودند خوش نشینان با چوب و سنگ دور تا دور زمین را مراقبت میکردند. مالکین عده ای از کشاورزان نا آگاه روستای سیدان را تحریک میکردند که اینها

ماجرای تشکیل شورای

اسلامی در ... بقیه از صفحه ۵

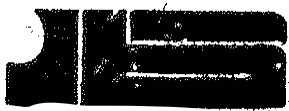
اختیار ما بگذارید. اما وقتی روستائیان اسامی کاندیدهای دلخواه خود را در اختیار پاسداران میگذارند، پاسداران باید این اسامی برخی از کاندیدها را نیکو از قبل آنان را میشناختند فوراً "اسامی آنان را خط زده و میگویند اینها فتوای هستند! زحمتکش نظر لخواه از این حرف پاسداران به خشم آمده و میگویند نه اینها محروم تر و سختکوش تر از ما هستند، اگر واقعاً " نما آدم های بسطوی و ستمکار هستند بدست های پینه بسته آنان نگاه کنید که خود گواه این مدعا است. اما پاسداران اعتنائی به گفته ها و اعتراضات اهالی نکرده و به کار خود که استناب با افرادی معلوم الحال بود ادامه می دادند. اما روستائیان نیز ساکت ننشسته و سر سخنان با انتخاب شخص خود فروخته ای مخالفت میکردند و شخص مزبور به گفته روستائیان در زمان رژیم شاه ۱۷ ماه از خدمت نظام وظیفه خود را به منظور جاسوسی و خبر گیری چینی بر علیه روستائیان در شرکت تعاونی روستا با بهره زدن و گزارش دادن به ژاندارمهای شاه سپری کرده و همینطور هنگام آمدن آموزگار نخست وزیر شاه به تبریز اهالی روستا را برای استقبال از آموزگار و تظاهرات بر له شاه شهسار برده، اما پاسداران که گوششان باین حقایق بدهکار نبود این

میخواهند زمینهای شما را بکار بند و با تحریک و دسیسه چینی توانستند عده ای از کشاورزان نا آگاه را در مقابل خوش نشینان قرار بدهند. مالکین و عوامل آنها وعده ای از کشاورزان نا آگاه با چوب و بیل مانع از کشت قسمت دوم زمین شدند و خوش نشینان با قدرت قند کشت بقیه زمین را داشتند. بزرگان روستاهای مجاور برای حل و فصل قصه می آمدند ولی خوش نشینان مصمم و یکپارچه برای دفاع از حقوق خویش و کشت زمین هیچ گونه مذاکره و سازشی را نمی پذیرفتند. حسن کرده بودند که در سایه اتحاد و یکپارچگی خویش قادر به انجام هر کاری هستند. در این مدت سپاه پاسداران هم وارد جریان شد. طرفین به تقویت خویش می پرداختند ولی به وضوح برتری و قدرت خوش نشینان لرزه بر اندام مالکین انداخته بود. خوش نشینان میگفتند " هر کس در این عمل جلوی ما را بگیرد زمین را با خویش آبیاری میکنیم. این حرکت دور و زطول کشید. و در این میان سپاه با تیراندازی های مکرر مانع حملات خوش نشینان میشد خوش نشینان میگفتند " مکه سپاه نمی داند حق با ما است، پس چرا با ما منجذمی شوند. و این مالکین زورگو و مغرور را بگیرند و بسند زنده زندان. چرا جلوی ما را بگیرند

استدلالات روستائیان را با عبارات مهم نیست و عیب ندارد و اینها حرفهای گذشته است توجیه میکردند. هنگامیکه اهالی زحمتکش نظر لخواه اینهمه وقاحت با ساداران و دشمنی آشکار آنان را با منافع خود بروشنی مشاهده کردند. با خشم و اعتراض به پاسداران گفتند: " ما اصلاً شورا نمیخواهیم، تصمیم گرفتند که بطور دسته جمعی مسجد را بقصد اعتراض در برابر اینهمه زورگویی و قلدری ترک کنند. اما پاسداران که ۵ ساعت تمام روستائیان را برای تشکیل شورای مورد نظر خود در داخل مسجد حبس کرده و حتی آنان را جاره رفتن به توالیت هم نمیدادند مانع خروج روستائیان از مسجد شدند که در این هنگام یکی از زحمتکشان که دیگر نمیتوانست تا این درجه ستمگری آشکار بر اهالی و خود را تحمل کند از پنجره مسجد بالا بریده و با بفرار میگذارد. که بدنیال او پاسداران که فرمان ایست داده و پس از بارشوم میگوید: بجان امام اگر نه ایستی شلیک میکنیم! روستائی بناچار از حرکت باز می ایستد و پاسداران هم بلافاصله او را گرفته و بدرون مسجد آوردند و برای عبرت سایرین تا توانستند او را کتک زدند، روستائیان در برابر این عمل بیشرمانه پاسداران سرمایه اعتراض کردند و پاسداران هم در مقابل اعتراض آنان بمنظور تهدید و ترساندن بیشتر روستائیان در داخل مسجد تیر هوایی شلیک کردند. بالاخره پاسداران پس از اینهمه کشمکش و کتک کاری سرانجام موفق شدند که به زور - سر نیزه و ز - ۳ " شوزای تحمیلی" مورد نظر خود را سرهم بندی کنند.

هی میکر الان موقعیت برای این کارها نیست. باید فکر جنگ بود، ایس کارها به نفع صد انقلاب و صدام کافر است. خوش نشینان همچنین میگفتند " بچه های مادر چیه هستند. بچه های مالکین. بدبختی و گرانی و بیکاری را ما بردوش می کشیم مالکین که به عمر مفتخوری کردند داخل شان نیست، مادیکه نمی گذاریم حتی یک متر زمین هم در دست مالکین باقی بماند. دولت اگر طرفدار ما مستضعفین است چرا به نفع مستکبرین اطلاعیه صادر میکنند. معلوم منتهجنگ برای ایسا خیر و برکت دارد برای ما حرفه و بولاکت که چیزی نداشته. درگیری داشت شدت میگرفت که بالاخره توافق گردید که سه نماینده از خوش نشینان و سه نماینده از طرف مالکین به سپاه پاسداران نوشته رفتند و قضیه را حل و فصل کنند. در سپاه پاسداران نیز همچنان خوش نشینان از خواستهای انقلابی خویش دست بر نداشتند و از عمل انقلابی خویش دفاع میکردند و نتیجه این حرکت آن شد که بقیه زمین را هم بکار بند. خوش نشینان پیروزی خود را که در سایه اتحاد و پیگیری بدست آورده بودند جشن گرفتند و با ردیگر این حقیقت مسلم را ثابت کردند که توده های متحد و متشکل همه چیز و توده های نا متحد هیچ چیز

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است



از میان گزارشها

مردم چه می گویند، مردم چه می خواهند؟



بسیار مدتی است که در فضاها و محفل در شمال جاده وفاداران ریخته شده است و مردم ریادی سرعت مشغول ساختن خانه بیابند نزدیک گروهی که منتظران تویوس بودند رفیق و حریبان را از کارگری که چند کیسه سیمان را با کاری دستی حمل می کرد بر سر دم: "مثل اینکه مردم خودشون دست بکار شدند؟ جواب داد: "آره دیگه مجبوریم کسی که بفکر مون نیست همیشه بدبختی برای ما بدبخت و بیچاره ها ست بخدا قسم برای گرفتن این کیسه های سیمان از با انبام "مردمن چهار شانه ای که کت و شلوار چروکیده ای پوشیده بود گفت "عجب جاشی هم انتخاب کردند هوای تمیزی دارد خوش بحالتون" خانم چادری نسبتاً جوانی در حالیکه سبزی و کلم همراهش را توی بغچه می گذاشت با آه عمیقی پوزخندی زد و گفت "آواز دهل شنیدن از دور خوش است خبرنداری که جی روزگار رموز میارن. منکنا رزندی سیر شد هر روزیه مکافات داریم. به روز آب نداریم. هر روز برق ها را قطع میکنند هر از رخم زیون میزنند جیه؟ چون هرچی داریم فروختیم و به خونه که نگویه لونه ساختم و سرمون را کردیم زیر سفش صدا مون دریا دجما می آید با لاسمون که دیگه جی میخواید دوره؟ طاغوت که این غلط ها را نمی توانستید بکنید و تون زیاد شده" و شروع کرد به سرفه کردن به نظر می آید اسم دارد. همان مردمسن گفت، همین روزها ست که ما مورهای شهرداری بریزن سرشون خدا بدادتون برسد. "کارگراولی با عصیانیت مگه اون بیلوی پدرسوخته نبود که با این کاراش گور خودش را کند اینها هم اگر میخوای گور خودش را بکنند مفت چنگشون" و راه افتاد.

شبه ۶ دیماه در محل خانه سازی هر کسی مشغول کاری بود جا تیکه چند نفر مشغول آب کردن قیر برای پشت بام اطاق خود بودند بدبخت بود وقتی من رسیدم پسر جوانی که از لباسش معلوم بود کارگرا و تاجا نیست و تازه وارد است می پرسید "این زمینها را دولت به مردم داده یا خودشون اومدند" یکی از کارگرها که خیلی جوان بود گفت "اینها را دولت نداده دولت فقط میتونه شعار بده ما خودمون اومدیم (اشاره کرد به بازویش) و هر کسی به اندازه خودش یک تکه برداشت که بتونه یکی دو کامیون آجر بریزه و چهار دیوارش را بکشد" همان پسر جوان گفت "خوب اگر بعد از اینهمه زحمت ما مورهای دولت و شهرداری بیایند جی؟" همان کارگر: "اگر دلشون کتک منقل میخوای ما هم حرفی نداریم که بیایند اما با اینهمه جمعیت چیکا رمیونند بکنند تازه هر بلائی بیاید سر همه میاند تا جا تیکه بتونیم جلوشون می استنیم" یکی دیگه از کارگرها که نواون سرما لباس محصری تنش بود با عصیانیت گفت "اصلاً به دولت چه ربطی داره اینجا مال یک گردن کلنگت شاهه است دولت اگر عرصه داره اول بره

عراقیها را بیرون کند که آمدن زندگی مردموسیا کردند بعد بیاید سر وقت ما، خیلی از اینها آواره جنگی هستند که با قرض و قرضه از این و اون دارن یک چهار دیواری میسازن می بینی هر خونه فقط یک اتاقه با چهار تا دیوار" گفتم "حق تونه نوش جانتون، وقتی آقای بنی صدر ۱۶ میلیون تومان فقط خرج دفترش می کند دولت چه حقی دارد به شما حرفی بزند" یکی از کارگرها (راست میگي؟) سندی را که به امضاء رئیس جمهور بود نشان دادم کارگر دومی با چهره برافروخته نفی روزمین انداخت و گفت "تف با این روزگار ۱۶ میلیون تومان! عجب پولی!"

دوشنبه ۸ دیماه ساعت ۵/۵ بعد از ظهر بود خسته و کوفته بودم. ساعت ۲ از کارگاه آمده بودم بیرون به طرف جاده وفاداران رفتم تا سروکوشی آب بدم و گزارشم را کامل کنم نزدیک منطقه خانه سازی، اجتماع چند نفری که مشغول بحث بودند توجه ام را جلب کرد. کارگر منی که لباسش کاملاً خاکبی بود، یک بیل رودوشش گذاشته بود و دست یک پسر بچه ۵ - ۴ ساله را گرفته بود می گفت "امروز ساعت نیم بعد از ظهر از طرف شهرداری ما مورها سدا آمده بودومی گفتند که بیخودی زحمت نکند بزودی همه اینها را با بد خراب کنید و چند نفر را که به آمدن آنها اعتراض کرده بودند با خودشون بردند" پسر مردی دست پینه بسته اش را زد رو گونه اش و با صدای بی می گفت "عجب دولت مردمی! معلوم نیست چه بلائی سرشون بیاید کارگر گفت "نمی توانند کاریشون کنند یکی

دونا که نیستند مجبورن و لشون کنند من نمیدونم چرا این ما مورهای دولت بالای شهرداشون همیشه اما همینکه چند تا آدم بدبخت مثل ما پیدا میکنند توسرمون میزنند" همان پسر مرد گفت "معلومه آقا آدم وقتی برای بولدارها و سرما به دارها کارکنند و آنها را حمایت کنند دیگه نمی تونه توسرشون بزنه آنوقت جیره و مواجیشون قطع میشه و از پست و مقام می افتند" آقای که بچه پالتویش را با لارده بود و شال گردن چهارخاندای هم داشت گفت "دولت حق داره شماها اشتباه کردید که رفتید ملک مردم را عصب کردید یک چیز هم

طلبکارید" همان کارگر با عصیانیت "بیخود کرده که حق داره اصلاً که مردم ملک، مگر با رواج آوره شیره جان ما بدبخت بیچاره ها را کشیده که تونسته این ملک را بخره" پرسیدم "با این خط و بشونی که شهرداری کشیده و چند نفری که دستگیر کردند معلومه دولت دستا رس شما ها بر نمیداره خوب شما چکار می کنید؟" کارگر در حالیکه بیلش را از روشناش بر میداشت نگاه می به محوطه خانه سازی کرد و گفت "این شو بگیری از آن نویمیری ها نیست اولندش که باشه در کمینه رادرمی آیم که اون چند نفر را آزاد کنند و مندمش اگر همه آرس و توپ خانه و مسلسل ها شون راهم بیارن هیچ غلطی نمی تونند بکنند مردم این حوالی همه طرفدار ما هستند با همین جلوشون می ایستیم" (بیلش را نشان داد) و دست پسرش را گرفت و خدا حافظی کرد و رفت.

شهرداری اراک دهکده ها را خراب کرد!

شهرداری اراک نیز به فکر زیبائشی شهر! افتاده و بعنوان اولین اقدام خود، بسراغ دهکده ها رفت. بعد از ظهر پنجم بهمن ماه، ماموران شهرداری اراک برای جمع کردن دهکده های کنار خیابان که هر کدما با بد زندگی تقریباً چندین نفر را تا من کند و هر یک بخاطر بیکاری، گرانی و فقر گسترده و روز افزون برپا شده اند، رفتند و دهکده داران گفتند شما به زیبائی شهر لطف زده اید و با بد فوراً دهکده ها بتان را جمع کنید. دهکده دارها همگی به شهرداری رفتند و ضمن اعتراض به شهردار گفتند: اگر میخوایند ما دهکده ها بتان را برچینیم با بدیما کار بدهید. پس از مدتی بحث و گفتگو شهردار گفت "ما کار نداریم شما بدهیم".

فردای آنروز به دهکده ها حمله شد و تعدادی از آنها را خراب کردند ما احیان دهکده ها مجدداً برای اعتراض به شهرداری رفتند و با زهم بدون جواب یا زگشید و به بازسازی دهکده های خود پرداختند، دهکده دارها بلاکاردهائی بر روی دهکده های خراب شده خود نصب کرده بودند منی برای اینکه "چرا ما کار نمی دهید؟ ما چگونه باید زندگی کنیم و ..."

استقلال - کار - مسکن - آزادی

با کمکهای مالی خود
سازمان راباری
رسانید

رفقا و هواداران!

از آنجا که کدهای چند حرفی و کدهائی که
۱۱ سامی. مشخص میشود جای زیادی در درو
نامه کار میگیرد لذا از این تاریخ کدهای

دو حرفی تنها حرف اول آنها در ردیف حروف
مربوطه و اما می نیز با حرف اول در ستون
مربوطه به آن ثبت میگردد. بنا بر این
امور مالی سازمان از رفا خواهدان است
تنها کمک مالی ارسال خود را با یک حرف
و حداکثر یک عدد سه رقمی مشخص نمایند.

رفقای آراک ج ۲۰۱ الف ۳۰۵ م ۱۱۳ محمود ۸۰۰ ب ۱۵۱ و ۱۰۰۳ ب ۵۵۲ الف ۱۰۰۵ رفقای لرستان ص ۶۱۱۱ ص ۳۱۱۲ ص ۱۱۱۳ د ۹۶۱۶ ک ۵۱۱۱ ه ۳۵۵۵ ع ۲۳۳۳ م ۲۸۸۸ م ۱۶۸۲ ه ۲۳۳۲ د ۳۵۹۹ م ۳۵۳۳ ر ۲۱۲۳ الف ۵۲۵ ج-ق ۲۶۲۶ ل-ع ۳۳۰۰ دبیرستان طالبان جرم آباد م ۵۰۰ ع-د ۵۱۲۰ ج-م شیراز م ۲۰۰۰ ج ۲۳۳۳ امانت شمار رسید م ۱۰۰ ر ۱۱۳ م ۳۵۳ الف ۱۰۰ رفقای هراز م ۲۵۰ ج-خ ۲۱ رفقای اشتران د ۱۱۰۰ م ۵۰۰۰ س ۵۰۰۰ رفقای کنگاور ع-ج ۳۰۰۰ ج-ش ۱۰۰۰ ع-خ ۵۰۰ رفقای اسلام آباد م ۲۵۵۵ م ۱۸۰۵ رفقای هواداران مشکل در سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا محمد - رض ۳۰۰ ا-م ۵۲۱ ن-م ۲۵۶ ی-ک ۹۱۱ آ-س ۳۲۰ ص-ف ۱۵۴ م-ع ۵۱۳ د-ل ۵۰ ج-ب ۵۸۳ س-د ۱۲۶۱ ا-م ۲۲۰ ش-ق ۲۷۱ احمد ص ۱۴ ب-ف ۶۸۷ ص-س ۱۱۵ ف ۳۵۱ زندانی ۲۵ لیسل راک ۱۳ سنابل علی ۱۰۰۰ د-ا ۳۰۱	مشکین شهر ۲۵۰۰ ریال دکه دار ۲۱۱۰ راه آهن ۳۱۳۳ بهبود ۷۵۰ ریال سمید ۵۰۰ ریال رفیق بهرنگ ۲۰۰۰ سلمان ۲۰۰۰ سلمانز ۱۰۰۰ رفیق دوربا ۱۰۰۰ ریال رفیق چنانچ موذن ۲۰۰۰ رفیق کارگر ۱۰۰۰ همراه نامه رفقای تبریز دبیرستان بوعلی ۲۰۰۰ ریال م ۲۶۰۰ ش ۲۶۱۱ ص ۹۱۵ ارم ۱۰۰۰۰ اختر-ک ۱۱۰۰ دبیرستان جوادی ۳۰۰ رفقای بهرنگی ۸۵۰ بهروز دهقانی ۲۱۵۰ خروپنه ای ۴۰۰۰ رفقای بروجرد رفقای هیرکان م ۸۰۰۰ م ۸۰۰۰ م ۶۰۶۵ ک ۹۰۰۰ ع ۲۰۰ ج ۳۰۰ ع ۵۱۱۰ رفیق مادر م ۱۰۰۰ ب ۱۲۵۶۵ ه ۲۰۰ رفقای نهاوند رفیق کارگر ۱۵۰۰ الف ۵۰۰ ف ۴۰۰ الف ۱۱۱۱ ج ۳۵۰۰ آلف ۲۰۰ ق ۵۰۰ ب ۲۰۰۰ ش ۹۵۰ ع ۲۰۰۰ ت ۱۰۰۰ ف ۵۰۰ ج-ذ-ا ۱۶۱۴ رفیق دانش آموز ۵۰ ریال رفقای کرمانشاه امانت شمار رسید م ۵۰۰ همدان شرف آسبه م ۱۰۰۰ ج-ل ۵۰۰۰ - ۱۳۳۳ - ۲۳۰۴ ر-ج ۱۶۹۹ ل-م ۱۳۳۳ رفیق بزی ۱۰۰۰ ریال بهرنگ ۱۰۰۰ ریال تبریز ۱۰۰۰ فرید-م ۲۰۰ م ۲۰۰	رفقای جینا ۶۰۰۰ ریال مدرسه روز مادر ۳۰۰۰ ریال مدرسه حم ۱۳۵۰ ریال مدرسه بنیانیان ۶۰۰۰ ریال خوارزمی ۱۴۰۰ ریال دبیرستان شریفی ۶۰۰۰ ریال رفیق ورامین ۲۰۰ ریال دبیرستان مسعودکیهان ۱۵۰۰ ریال رفیق سرباز ۱۰۰۰ ریال دبیرستان مهربانان ۵۰۰۰ ریال دبیرستان عسگری زاده ۱۰۰۰۰ ریال دبیرستان شیرین ۲۰۰۰ ریال دبیرستان محمودزاده ۱۵۰۰ ریال دبیرستان کاخ دختران ۲۶۲۷ ریال دبیرستان سپاس ۲۷۰۰ ریال رفقای قصر شیرین ۴۰۰۰ ریال مسیزه ۱۰۰۰ ریال دانش آموزان دبیرستان البرز ۵۵۰ ریال رفیق معلم ق ۱۰۰۰۰ ریال رفیق معلم ع ۱۷۰۰۰ ریال رفیق م ۲۰۰۰ ریال رفیق الف ۱۰۰۰۰ ریال رفیق امیر ۵۰۰ ریال رفقای ابهر ج- ۲۰۰۰ ریال ع- ۲۴۰۰ ریال رفقای بدر عباس ف ۲۹۲۱ ط ۲۰۲۲ رفیق مادر ۱۰۰۰ رفقای کرمان ع ۲۰۲۷ یک رفیق کارگر ۱۰۰۰ م-ک ۹۳۹۴ م ۳۳ غ حیرت الف ۱۰۰۰ ش ترکمن ۱۰۰۰ دانش آموزان پیشگاه گرمی دشت مغان ۲۰۰۰ رفقای گرمی دشت مغان ۶۰۰۰ ریال رفیق سهیلا ۲۹۷۱ رفیق صد ۵۰۰ ریال رفیق داریوش ۴۰۰۰ ریال رفقای شبفلا ۱۰۰-۴۴۴-۱-۱-۱-۱-۱-۱	حرفه ل-م ۱۱۰۰ ل-م ۲۵۰۰ ریال ز-ص ۷۰۰ م-م ۱۳۳۳ ز-ک ۱۰۰۰ ریال د-ح ۱۰۰۰ ریال الف-م ۸۲۵ ج-م ۱۰۲۳ ک-ا ۵۲۲۲ الف-ب ۱۰۰۰ م-م ۱۵۰۰۰ ج-ب ۵۴۰۰ رفقای جرم آباد م ۶۰۰۲ ریال فرشته ۵۲۰ م ۱۴۳۸ م ۳۰۰ ج ۸۲۴ م ۱۹۹۹ الف-ل ۳۹۲۱ ج ۵۱۱ الف ۱۲۸۴ غ ۱۷۷۷ م ۲۴۹۸ رفقای کارگر (۱) ۲۲۲۰ رفقای دانش آموز ش ۱۵۶۲ رفقای همدان ج-ن ۱۰۰۰۰ ریال ه-ن ۱۰۰۰ ع-ف ۲۰۰۰ ل-ا ۱۰۰۰۰ ع-د بهیار ۲۰۰۰ محمود ۸۰۰ ریال رفقای ماه شهر م ۵۰۰۰ رفیق مسلم ۱۰۱۲۰ حمید اشرف ۱۳۵۵ م-چ شهرک اکباتان ۱۰۰۰ ریال فردوسی-ک ۵۰۰۰ ریال تهران سیزن ۱۳۰۰۰ شهرضا لقمان ۱۰۰۰ دبیرستان البرز ۵۵۰ دبیرستان دخترانه ۱۰۰ ریال دکه دار ۶۰۱ ریال صد ۱۰۰ ریال دبیرستان مهربانان ۴۰۰۰ ریال ک-فرانک ۱۱۲۲ فرمانشاه م ۱۱۱۱ رفقای کاشان م ۳۵۱۲ ع ۲۰۶۰ م ۱۰۲۱ - ۱۰۲۲ - ۱۰۳۵ م ۱۱۱۱ ع ۹۰۰ - ۵۲۰ م ۲۸۸۸ ه ۶۰۰ ک ۲۰۱ دبیرستان حمام ۱۰۰۰	الف ۲۰۰۰۲ ۲۰۲۰ ۲۰۲۰ ۱۰۱۱۱ ۲۰۱۰ ۷۹۹۴ ۵۵۵۳ ۵۰۳۳ ۱۰۲۸ ۱۱۳۶ ۱۰۳۷ ۳۰۰ ۲۲۰۴ ۱۰۳۵ ۲۳۳۳ ۸۸۸۸ ب ۲۲۰۷ ۱۳۷۵ ۳۰۶ ۶۰۶۵ ۱۳۵۶۵ ۲۱۱۱ ۳۲۰۴ ۱۲۰۰ ۱۰۳۳ ۱۱۵۰ ۱۳۴۶ پ ۲۰۰۰ ۱۲۰۰ ۱۰۲۸ ۲۲۰۰ ۲۳۵۰ ۳۲۷ ت ۱۰۸۰ ج ۴۰۱۱۱ ۶۱۲۸ ۵۰۲۹ ۳۱۱۳ ح ۵۲۳۳ ز ۱۱۸۶ ۲۱۳۳ ۴۱۳۳ ۳۰۰ ۱۱۳۲ ۵۲۰ ۳۰۰۰ ۳۰۲۲۲ ۲۳۳۳ ۲۱۶۵ ۳۱۰۰ ۵۵۳۳ خ ۲۲۹۱۱ ۱۱۳۴ ۵۰۲۱ د ۷۰۱۱ ۱۱۰۰ ۱۷۷۷ ۱۳۷۷ ۱۰۳۵۱ ر ۱۱۱۱ ۱۰۲۴ ۵۰۲ ۲۰۲
---	--	--	---	--

سرکوب وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۱

های تاریخی در مراسم که برگزار میگردید شرکت نمابند. رژیم جمهوری اسلامی که همواره هراس خود را از رشد نیروهای انقلابی و روی آوردن روزافزون تشوهرها به آنان نشان داده است در ایندستی کرده بهانه "ندادن مجوز قانونی" از سوی وزارت کشور جلوی این حرکت را بگیرد. اما هنگامی که حرکت دریا فت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تنها آن قانونی را برسمیت میشناسد که حافظ منافع توده ها باشد و بهمین جهت نیز در برگزاری مراسم میتینگ را سخ و یا بر جای است سعی نمود با اتکا به سیاست سکوت این حرکت را به انزوا بکشاند. اما اینبار رژیم به همت فعالیت شان روزی صدها و هزاران رفیق مبارز روزمنده، خبرگوش تما می توده ها رسید. در مدت فریب به دو هفته تمام می دیوارهای شهر، چهار راه ها و میادین، کارخانجات، مدارس و خلاصه هر کجا که توده ها حضور داشتند "خبر" دیده میشدند می شد و سرعت پیش می گشت. "میتینگ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - جمعه ۱۷ بهمن ساعت ۱۰ - صبح میدان آزادی رژیم سراپا و خوشتر هراس در آخرین لحظات سکوت شوم خود را شکست و اعلام کرد "برگزاری هرگونه تجمع ممنوع است... با متخلفین طبق مقررات زمان تنگ رفتار خواهد شد" و بدین وسیله سعی کرد تا به سرکوب و کشتار برنامه ریزی شده خود طاقی "قانونی" ببخشد.

دعوت سازمان از سوی توده های خلق پاسخی درخور نشانیده است. صبح جمعه ۱۷ ساعت ۷/۵ صبح میدان آزادی چهره ی دیگری داشت. از سویی تشریک کارمندی گارد و جبهه های ارتش و کشت مدام افومیلهای کمیته و پاسداران روزهای وحشت و هراس رژیم شاه از مبارزات اوچ گیرنده خلق را درخا طرزنده می ساخت و از سوی دیگر رفقای هوا دار دسته دسته در چمنهای شمال غربی میدان ظاهر میشدند با افزون شدن رفقا بسنگهای سرکوب بگارا افتاد "گوردهایی شما در اینجا غیر قانونی است هر چه زود تر برآکنده شوید" در همین حین با توده های سیاه و شگلی گاملا سازمان یافته توسط وانت بارومینی بوس در میدان پیدا می شدند. یکی از مزدوران در گفتگویی می گفت "ما از طرف هیئت امده بیم و کما می گفتی ما همین مابعد ارتشاشی ۲۰۰ روز دوره ای بدولتوزیک و سپس کلاس آموزش فنون نظامی می بینیم و بعد از آن کسارت میگیریم هفته ای دو بار رهم طسه داریم" ترکیب این مزدوران بر طبق اسنادی که بدست ما رسیده است بخوبی می بینا نگر اتکا دکتیف نیروهای پاسدار، کمیته ها، بسیج معدودی فالانز حرفه ای و مزدور است.

سرکوبگران که تا حد حدسها وجودیکه حدود ۱۰۰ ساعت به آغاز مراسم با می است جمعیت سرعت رونق و روی می دهد. هوش خود را آغاز میکنند. با تدهای سیاه مسلحه خماق، دسته، همه سینه جمعیت بوزن میبردند که با سینه های مهر ما با سه مواحه میشوند. جندس را آنها دستگیر و متروپ می شود و سینه اریبانه نلیک کلت های خود همار می کنند. جمعیت حاضر بر شور و هیجان فرا میزند "اتحاد - مبارزه - پیروزی" در همین حال با برافراشته شدن تصویر رفیق کبیر بیژن جزئی حروش "درویدر فدائیس" بگیا رجه نه آسمان بر میخیزد. اینبار پاسداران سرمایه که اریکبار چکنی و فزونی بافتن جمعیت بوجست آمده اند بوزن وحشیانه خود را آغاز میکنند و با رگبارهای بی پای مسلسل بدا حسیل محوطه هجوم می آورند (بر طبق مدارک کما ملا موقوف بدست آمده کمیته هسوا پاسداران از جندی رور قبل درآمده باش بزرگسردا بدو سینه ای نیروهای مسلح از جمله پاسداران و پاسدار مری دستورالین سرچ داده شده بود) جمعیت درخا ل عقب نشینی میزادند که "سر

چه کسانی حمله به صفوف فدائیان خلق را رهبری می کنند

یکی از عناصری که حمله فدائیان را رهبری میگردند را رهبری بود که طبق کارتی که همراه داشت کارش را در این زمینه بنیادینش با شد و گویا واحد فرهنگی بنیادینش، فرهنگ جما فدائی و قداره بندی را می موزد و برای غلبه قهرمان ایران بیش از پیش ما هیست این بنیاد آشکار میگردند.

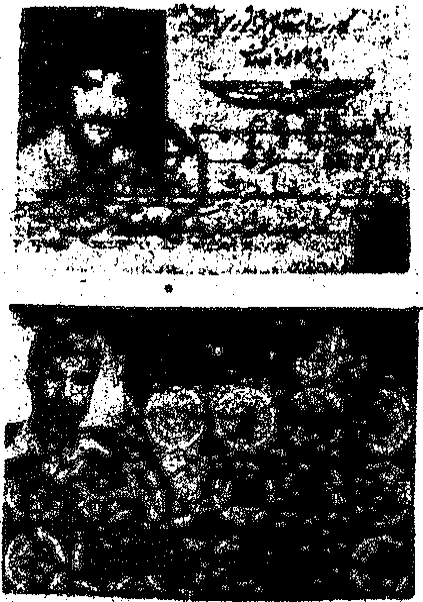
از دیگر رهبران و سردمداران این حمله فدائیان فردی بنام روح الله رنجبری وابسته به کمیته انقلاب اسلامی منطقه ۱۰ می باشد و در کارتی که از ایشان بدست آمده مسئولیت وی با سدا رد کرده است، و بخوبی و ظائف پاسداران انقلاب اسلامی که همانا سرکوب انقلابیون و سازماندهی اوپاشان حمله قدر میباشند نشان میدهد.

میگوید "نوقتها می گفتم یکی در کن، بول نغمونه اما حالا که پستول نفت هم نسبت این پول عرق چینیست ماست که بشکل گلوله بطرفمون میزنن. درست در همین لحظات است که آیت الله منتظری در قم در بلندگوهای دروغ و فریب فریاد میزنند "اعمال کما نی که به اسم حزب الهی و پاسداران گسروه های اسلامی" جمله می کنند که "سوم می کنند. پاسداران و فالانزها که بسنگ سازمانی وسیع تریافته اند به جولان میپردازند. درهای خانه ها باز است و مردم با آغوش با جمعیت روزمنده را می پذیرند. با وجود کمبود نفت کشتی از دادن آن برای روشن نمودن آتش و مقابله با گاز اشک آور دریغ ندارد.

با تدهای سیاه با شلیک کلت به پاسداران همراهی میکنند هجوم به خانه ها آغاز میشود. زنان فریاد میزنند "دم نمی خورم! شما امنیت ندارد!" "شده مثل زمان شاه". مردم بشدت از پناه گرفتن حمایت میکنند اما حملات وحشیانه، ضربات فدائی تفنگ شستن درخا ها و... بدستگیری تعداد زیادی از جمعیت شرکت کننده در مراسم می انجامد. اما خلق از پهای نمی نشینند در بسیاری نقاط مقاومت دلیرانه در مقابل حرکات و قیامانه حیوانی فالانز ها و پاسداران در مورد دختران به راهی این زمینگان دلیر و افشای هر چه بیشتر چهره ها کمیت می انجامد. پاسداران، کمیته چی ها و فالانزها با فحش های رکیک، حرکات مستحجن، با حیوانی ترین رفتار با دختران و زنان مبارز و زخمیکش فرهنگ کشتی و منعط رژیم جمهوری اسلامی را بنمایش می دهند.

با تدهای مزدور فالانز اینک وحشیانه بهر سو میروند، نومیل ها را متوقف میکنند و سر نشینان آنرا با کتک و زیر رگبار رشت و لگدیبا شین میکنند. موزسوارها را مورد حمله ای وحشیانه قرار میدهند. عابرا ن پیاده را با برسی در صومع و بیجا بدانشن زوری برای دختران و با سبیل برای پسران بر رکنک میگردند و با طراب ستم های کشتی ساواک ارا نده میکنند. دستگیرند که در ستمای مدب بر سر شید برسی صر و ضم و کتیب ترین اها با تدها فرار داشتند مظهر حسود ساعت ۳ با چندین اتوبوس و مینی بوس از زیر زمین میدان آزادی اواز مرکز سیاه در تقاطع نواب آزادی منتقل شدند.

رژیم جمهوری اسلامی که با تدهای لوزان خود را بر سر آگای هی نوه نم توده ها نهاده است اینک با رشد آگای خلق هر چه بیشتر دست بحرکات وحشیانه و سرکوب عریان میریزد. رژیم که قبلا ساواک استفاده از توهمات توده ها با شلیک های وسیع آنان راه میدان می کشید اینک حتی وحشت داشت که اعلام میسنگ در اادسوا، تلویزیون بین از آنکه به نغم اوپاشد نه سلسلی سودا رمان بدل نشود و بهمین دلیل میربا جرس لب لباب، سکوت احسار کرده بود، مرکب با تدهای سیاه و همچنین ستمای سواک دستورالین موجودون کارشاشی که از



جیب این افراد بدست آمده - سازمان با فتگی آنان - ماشینهای حمل و نقل با تدهای سیاه - حمل کلت و اسلحه های بگ شکل و... خود بهترین دلیل و بیبا نگر توسل کامل رژیم بر نیروهای مسلح است. موضعگیری های روزنامه جمهوری اسلامی (شنبه ۱۸ بهمن) و برگزاری پاریس که تعداد جمعیت را ۱۰۰۰ نفر و ۱۵۰ نفر (۱۸ بهمن) نقل از روزنامه میزان شنبه ۱۸ بهمن (برشردند) تقدیر مسخره است که پی اختیار خاطر سخنان از هاری جلاد که راهبیمای عظیم خلق را به نواز منتسب میگردند با طر تدا می میکنند. اینبار نیز لیبیرالهای فدا خلق این آزادی خواهان دروغین با محکوم کردن حرکت توده ها و "مردم تا میدان با تدهای سیاه و تطهیر راه بهترین شکلی نمایان ساختند، و خاشاک کمیته مرکزی و حزب توده نیز که از وسعت تبلیغات و کثرت روی - آوری توده ها حیرت زده و انگشت بدهان بودند با موضعگیری خود عملا بر تاسمی و خشگیری و سرکوب و کشتار کمیت ضد خلقی صحنه دند و در کنا ران قسزار گرفتند.

بهر رو توده های خلق با حرکت پسر شکوه و مقاومت قهرمانانه خود بخوبی نشان دادند که در مقابل هر شکل از آزارش و خبیانت به منافعتان تا به آخر خواهند ایستاد.

در حاشیه میتینگ

"اکثریتی های جناح راست این نوکران بی چهره و مواجیب رژیم علاوه بر پیش اعلامیه جا بلوسانه خود مینی بر عدم شرکت در میتینگ (که عموما با تمسخر توده ها مواحه میگشت) در چند نقطه در بخش فالانز به سمپاشی پرداخته بودند و سعی داشتند توده ها بفریادند که "میتینگ مال پیکار نیست" و... و این در سب در رمای بود که مردم مردم عربو "درویدر فدائی" و "نغار رهبر فدائی" بر هاسی انقلاب را سرش و حیانت را می شنیدند. توده آنها نیز در یک فعله سعی کردند با اسما ده آرشیبیانی فالانزها شعار "ما ثونست، ساواکی" را بدهند که فوراً فریاد های "صدایشان بر طینس مرگ سر توده ای" صدایشان در گلو خفه شد.

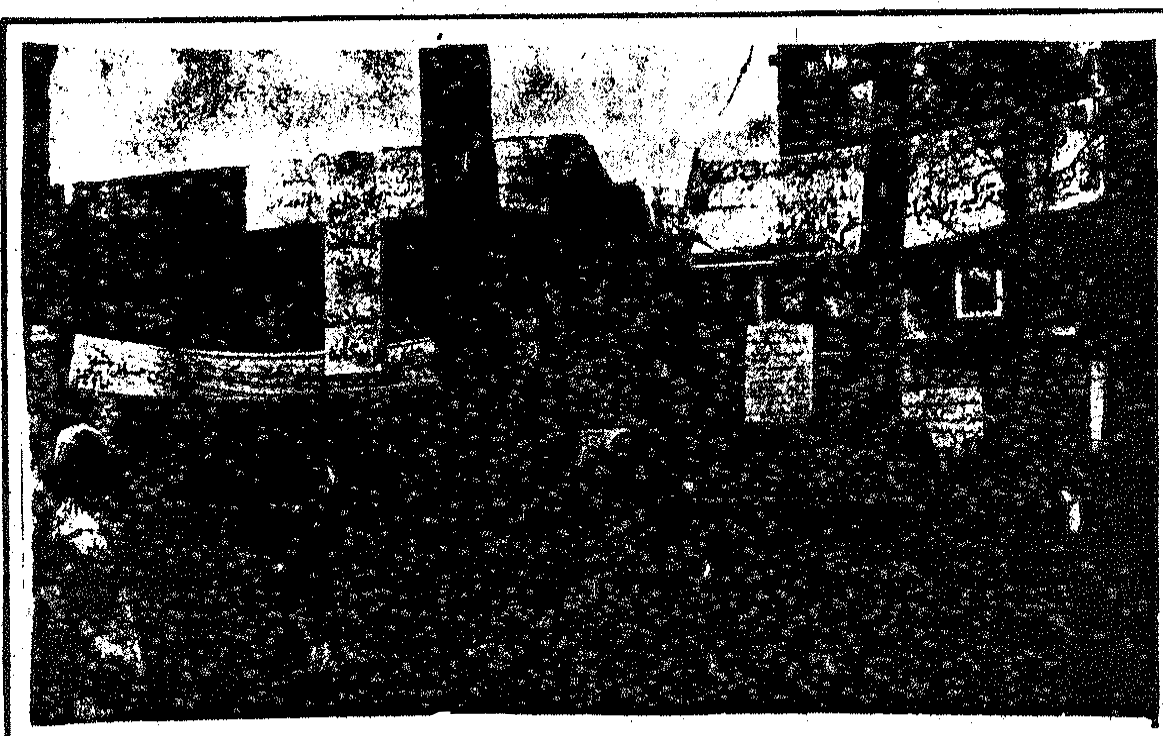
در جریان راهبیمای عده ای نسیسیر کوشیدند که با استفاده از حوشنستی به رژیم جمهوری اسلامی بداد آورده شود. شعارها را با حرف های حسرت سر بارند تا هوساری هواداران و اگای آنها به مواج سازمان، حسی بد.

اعلام موجودیت خط امامی های جدید!

"دانش آموزان مسلمان پیرو خط امام" با هجوم به مدرسه خوارزمی شماره ۲ و تصرف و تعطیل آن به عنوان مرکز جاسوسی و فساد، در حالیکه با نقاب درانظار و روی پشت بام مدرسه مانور می دادند، اعلام موجودیت کردند.

جاسوسان آمریکایی که ظاهرًا توسط "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" اسیر شده بودند، با فضا حتی آشکار آزاد شدند و اینک "دانش آموزان مسلمان پیرو خط امام" با به بند کشیدن و اسارت آزادی سیاسی دانش آموزان آگاه و مبارز، و تصفیه و اخراج محصلین متعهد و انقلابی از محیط آموزش و به انحصار کشیدن مراکز تحصیلی، خود را نشان میدهند و با تسخیر مدرسه خوارزمی شماره ۲ تحت عناوین رسوا شده و ورشکسته مرکز "جاسوسی" سعی دارند اعتبار از دست رفته ی جریانیهای به اصطلاح خط امامی را در نظر توده های ناراضی و بربیده از حاکمیت، احیاء کنند و شاید هم مقدمات تعطیل مدارس، تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" آماده میکنند.

مدرسه خوارزمی شماره ۲ خیابان معدق، از بدو سال تحصیلی جاری، بدلیل جوش و خروش دانش آموزان آگاه و مبارز



اطراف مدرسه به افشاگری پرداختند و بدون توجه به تحریکات حزب اللهی ها برای ایجاد درگیری، به ناحیه ۲ آموزش و پرورش رفتند. جالب اینجاست که خط امامی های جدیدالولاده، معلمین را هم بمدرسه راه نمیدادند و خودشان مدام از دانش آموزان عکس میگرفتند. دانش آموزان هر روز در اطراف مدرسه گرد می آیند تا متحد و مصمم به مبارزه خویش بمنظور ایجاد و تحکیم شوراهای انقلابی در مدارس، آزادی فعالیت سیاسی و بازگشت دانش آموزان اخراجی و معلمان انقلابی اخراجی به سرکار، ادامه دهند.

جهت استحکام فعالیت آزادانسته سیاسی در مدارس و آگاهی دادن به توده ها، همیشه مورد حمله و هجوم عناصر وابسته به سردمداران جمهوری اسلامی بوده است یکبار هم در اوایل آذرماه محصلین مورد یورش قرار گرفتند که چند نفرشان مجروح شدند و بیست نفر نیز اخراج شدند. صبح روز دوشنبه ۲۳ بهمن، هنگامی که دانش آموزان به مدرسه رسیدند، با درهای بسته و "خواهران" نقاب زده و انواع و اقسام پلاکاردها در محکومیت آزادیهای سیاسی تحت حمایت جماعت داران وژ-۳ بدستان مواجه شدند. دانش آموزان بلایدن درهای بسته در

حمله به کتاب حمله به آزادیهاست

در پی حمله های متعددی که دو هفته اخیر به کتابفروشی ها صورت گرفته است و در پی آتش زدن و سوزاندن کتاب های موجود در کتابفروشی ها، کانون نویسندگان ایران اعلامیه ای منتشر کرده است. کانون نویسندگان ایران در قسمتی از این اعلامیه می نویسد: "... دو سال است که جنبش انقلابی ایران گرفتار چنین تجاوزات و دشمنی هائی است... به آتش کشیدن دهها کتابفروشی در تهران، مشهد، کرمانشاه، تبریز، ارومیه، خرمشهر، رشت و دیگر شهرها، همه حاکی از زبونی و فقر اندیشه و بی مایگی فرهنگی کسانی است که از رشد آگاهی مردم بیمناکند."

اعلامیه در قسمت دیگری میگوید: "... رشد مبارزه طبقاتی در جامعه انقلابی ما، در مبارزه میان نیروهای که حقانیت اهدافشان با شاعه و رشد آگاهی توام است و نیروهای که منافع و مصالحشان در سرکوب اندیشه و جلوگیری از آگاهی تا مین میشود، متجلی است مردم می دانند که حمله به کتاب و کتابخوان و کتابفروشی و کتابخانه حمله به همه آزادیهاست و

پاسداران و ژاندارمها زحمتکشین کاخک خراسان را بخاک و خون کشیدند

دچار کم آبی مشکل دیرینه ی بخشهای وسیعی از سرزمین ایران است. این مصیبت بویژه در مناطق کویری، محسوس تر و سنگین تر است و این کمبود آب همواره سرمشاق کشمکش ها و زد و خورد ها و در موارد بسیار، کشته شدن دهقانان ستمدیده بوده و هست.

در هفته گذشته، مقامات استان خراسان برای تامین آب مورد نیاز یکی از شهرهای جنوبی خراسان، گناباد تصمیم گرفتند در کاخک که نسبتاً پربا تر است چاه عمیق حفر کنند ا هالی زحمتکش کاخک با این استدلال که منطقه خودشان

آتش زدن کتاب، آتش زدن اندیشه است. کانون نویسندگان ایران در اعلامیه خود می نویسد: "... کانون نویسندگان ایران، ضمن محکوم کردن شدید چنین جنایاتی، نسبت به انجام نظایر آنها در آینده هشدار می دهد و سکوت مسئولین و عدم تعقیب و دستگیری و مجازات مرتکبین این جنایات را در حکم محکوم گذاشتن بر آنها می داند و در پایان ضمن اشاره به دستاوردهای انقلاب میگوید: "... تنها همگامی و هوشیاری و اتحاد همه مردم در راه حفظ این دستاوردها است که می تواند از آنها جم به شمار - انقلاب جلوگیری کند."

فردای کشتار زحمتکشان کاخک توسط پاسداران و ژاندارمها، عناصر حکومتی، دست به تحریک مردم گناباد زدند تا عمل فجیعا نه و فاشیستی خود را توجیه کنند. آنها با ترتیب دادن راهپیمایی که عمدتاً بازاری های گناباد در آن شرکت داشتند، اعتراض دهقانان و کشتاران را طبق معمول نتیجه تحریک "ضد انقلابیون" و "منافقین" خواندند. روحانیون سرسپرده و مرتجع منطقه نیز با ایراد سخنرانی های سرایا دروغ و ریا تلاش داشتند که دامن خود را از کشتار زحمتکشان میرا کشند، و قیعا نه بی شرمانه به خاسوا ده های کشته شدگان قول میدادند که آنها را زیر پوششش بنیاد شهید بگیرند!

اخباری از جنبش مقاومت خلق کرد

• مهاباد

دستگیری و تفتیش بدنی و بازرسی منازل مردم شهر افزایش یافته است و در ساعات مختلف شب و روز، پاسداران کمین می‌گذارند تا مردم را بسدام اندازند.

روز جمعه بیست و ششم دیماه در اطراف روستای ایندرفاش (محور جاده مهاباد - رضائیه) درگیری روی داد که یکی از فرماندهان سپاه پاسداران به نام حاجی ترکه زخمی شد همچنین در این درگیری چند پاسدار و ارتشی زخمی شدند.

در همین روز در مسجد جامع مهاباد دوتن از فرماندهان سپاه برای مردم صحبت کردند و مردم را تهدید کردند و به اصطلاح دوراه پیش پای آنان قرار دادند، پیوستن به پاسداران و جمهوری اسلامی - پیوستن به "فدائیانقلاب" همچنین قرار بوده است یک راهپیمایی به پشتیبانی از جمهوری اسلامی برگزار شود، که بر اثر فشار توده‌ها شورای شهر با این برنامه مخالفت کرد و برگزار نشد. روز بعد گروهی از مردم شهر در مسجد جامع گرد آمدند و به سخنان تهدیدگونه و توهین آمیز روز قبل پاسخ دادند و اعتراض کردند.

از روز بیست و ششم دیماه از خروج اهالی از مهاباد بدون اجازه کتبی سپاه پاسداران جلوگیری می‌شود. از رادیو نیز اعلام شده که هر کس بدون اجازه قصد خروج از شهر را داشته باشد، به سوی تیراندازی می‌شود. قبل از این اطلاعیه عبور و مرور بین مهاباد و میان دو آب ممنوع شده بود.

روز شنبه بیست و هفت دیماه در تپه پشت پا دگان مهاباد، پیشمرگان حزب دمکرات به ۲ چادر ارتشی حمله کردند که تعدادی دستگیر و گروهی زخمی شدند و مهمات موجود در چادرها به نفع جنبش خلق کرد مصادره شد.

در همین روز ساعت چهار بعد از ظهر یکی از جاش‌ها بنام اکبر خیری در میدان ملاحی مورد اصابت گلوله قرار گرفت و کشته شد. در پی این عمل دو ماشین مطو از پاسداران مسلح به خیابان ریختند و با کالیبر ۵۰ گوجه و خیابان را زیر و بار گرفتند، که موجب زخمی شدن عده‌ای از مردم بی‌گناه شد.

روز یکشنبه بیست و هشتم دیماه از اولین ساعات با مدادی صدای تیراندازی در بیشتر مناطق شهر گوش می‌رسید. پاسداران و ارتشیان به روی شهر خمپاره می‌انداختند. از تعداد تلفات

آماری در دست نیست، ولی یک منزل بر اثر اصابت خمپاره ویران شد. فردای آن روز یک کامیون ارتشی در مهاباد در کمین پیشمرگان افتاد. کامیون توسط نارنجک انداز پیشمرگان متلاشی شوراننده و دوتن از سرنشینان آن کشته و دوتن دیگر دستگیر شدند. در پی این عملیات ارتشیان شهر را به خمپاره بستند که چندین خانه و پیران شد و عده‌ای زخمی و کشته برجای گذاشت. این تیراندازیها تا با مدا دجها ر شبه اول بهمن ادا مه دانست. روز پنجشنبه که مصادف با (۲۱ آری بنندان) بود، شهر در آرامش بسربرد.

۵۹/۱۱/۶ - یک دسته از پیشمرگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به یک ستون ارتشی و پاسدار که برای سرکوب خلق کرد عازم مهاباد بودند. فرجه زدند. این ستون در ۱۰ کیلومتری مهاباد در کمین پیشمرگان افتاد و بخشی از آن توانست از کمین بگذرد و روانه مهاباد شود. اما پیشمرگان شهر در مداخل شهر مهاباد دستون را به کمین انداختند که تعداد زیادی از نیروهای سرکوبگر کشته و زخمی شدند.

اوضاع عمومی شهر در حالت جنگی است. در مدتی که پیشمرگان به داخل شهر آمده‌اند، روحیه مردم بسیار عالی است و از آنان به گرمی استقبال میکنند. ارتش‌ها از چند گاهای شهر را به تسویب می‌بندد. تاکنون بسیاری از مقرهای نیروهای سرکوبگر در شهر، تخلیه شده است. پیشمرگان سازمان به یسک هلیکوپتر که ستون راهمراهی می‌کرد، شلیک کردند که طبق اظهار به هم خود هلیکوپتر، هلیکوپتر مزبور آسیب دیده بود. همچنین پیشمرگان "کومله" یک ماشین پاسدار را در کمین می‌انداختند که منجر به کشته شدن شش پاسدار و مصادره تعدادی اسلحه شد.

در تاریخ یازدهم بهمن مردم مهاباد که از خانه‌ها خارج شده بودند تا برای خرید نفت به شعبه‌های فروش بروند، با رگبار دیوانه‌وار پاسداران سرکوبگر جمهوری اسلامی روبرو شدند. این حمله وحشیانه به مردم غیر مسلح و بی‌دفاع شهر، بیست کشته و عده‌ای مجروح بجای گذاشت.

اکثر خانه‌های منطقه بین شرکت نفت و سیلوها را اصابت خمپاره ویران شده‌اند.

• سندج

۵۹/۱۱/۲ - در جاده کرمانشاه - سندج شانزده تن پاسدار و ارتشی توسط

پیشمرگان کومله اسیر شدند. از این عده دو نفر سر باز زعفر بوده اند که بلافاصله توسط پیشمرگان آزاد گردیدند. روز سوم بهمن، جاشها، یک راهپیمایی به پشتیبانی از رژیم جمهوری اسلامی برای انداختن دولتی دیری نپاشید که بر اثر اعتراض مردم راهپیمایی برهم خورد و جاشها متفرقه، متواری شدند.

• اشنویه

ساعت ۱۱ صبح روز هشتم دیماه، نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی روستای "گنده‌وله" را به خمپاره بستند. سه تن از اهالی بیدفاع، این روستا که در ۲۰ کیلومتری اشنویه قرار دارد شهید شدند. در شبهای ۱۹، ۲۰، ۲۱ و ۲۲ ماه، ارتش با توپ و خمپاره روستاهای دیگر اطراف اشنویه را نیز گلوله باران کرد.

مراسم (۲۱ آری بنندان) - دوم بهمن در اشنویه با شکوه و استقبال مردم برگزار شد. اشنویه اکنون در دست مردم است و اهالی شهر پاسداران و ارتشیان را از شهر بیرون رانده‌اند.

• بوکان

روز ۲ بهمن به مناسبت سالگرد اعلام جمهوری خودمختار کردستان، مراسمی در دبیرستان صمدبهرنگی بوکان به دعوت سازمان انقلابی زحمتکشان (کومله) برگزار شد. در این مراسم پیامهای، شیخ عزالدین حسینی و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و دیگر نیروهای انقلابی کردستان قرائت شد.

همچنین در این روز از سوی حزب دمکرات کردستان، مراسم راهپیمایی برگزار شد. و به مدت ۳ روز در دبیرستان کمال چندین نمایش و سخنرانی و سرود اجرا کردند.

علاوه بر بوکان مراسم آری بنندان در شهرهای اشغال شده منجمله سردشت و مناطق روستایی نیز برگزار شد.

• میان دو آب

۵۹/۱۱/۲ - گروهی چماق بدست متشکل از ما موران بسیج و کمیته‌ای به ورزش صبحگاهی دانش آموزان هنرستان حمله کردند که منجر به درگیری و تشنج شد و هنرستان به حالت تعطیل درآمد.

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند



اخباری از:

بزرگداشت سالروز رستاخیز سیاهکل و قیام مسلحانه خلق

لاهیجان

بمنظور بزرگداشت سالروز رستاخیز سیاهکل و قیام خلق شاخه کیلان از مدتی قبل تصمیم به برگزاری میتنگی در روز ۱۹ بهمن در سیاهکل گرفته بود و با این هدف بتدارک پرداخته بود.

دولت جمهوری اسلامی که در پی اعمال کردن حقوق و آزادیهای بدست آمده در قیام تاکنون از هیچگونه تلاشی فروگذار نگردیده است، با اطلاع از این امر بدست و با میافتنده بر بنا مریزی برای اجرای نوطه میپردازد و با بهره گیری از تخریبات ذیقیمت (!) خود در سال گذشته در گنبد (که همان ترور وحشیانه رهبران خلق ترکمن صحرایند) بطرح نقشه بی مناسبت میپردازد.

شب قبل از برگزاری مراسم سیاهکل با سداران کیلان از راه دیوآ اعلام می کنند که بمنظور بزرگداشت نوزدهم بهمن قرار است مراسم با شکوهی در سیاهکل برگزار شود و برادران و سران را میسر می نماید امام در اسان در این مراسم سخنرانی خواهند کرد و سپس از گلبه خواهران و برادران میخوانند که در مراسم شرکت کنند.

از طرف دیگر آنکه از مدتی قبل جامعه ها را بسته و سیاهگاهها دستسور آماده باش کامل داده بودند در این روز بر شدت کنترل و بازرسی وسایل نقلیه و بازرسی بدنی مسافران و حتی بازرسی های بسیار مسخره و تکراری که با دستور بازرسی های ساواک رژیم شاه بود، میفرزاد و جوی کاملاً پلیسی در سراسر منطقه ایجاد می کنند.

صبح روز ۱۹ بهمن نیز از همان ابتدا در جامعه رشت - لاهیجان بکنترل شدیدتر میپردازد و بخیا لخم خود هر چه در دسترس است (کوکو!) را از ماشین بیاده کرده و با زدن می کند و علاوه بر سیاهکل را بکلی سدود کرده و فقط به نیروهای خودی که تحت رهبری افراد سرشناس

خودی باشند اجازه حضور می دهند.

و بدین ترتیب بهمه شیوه های ممکن موبل شده تا مانع برگزاری سالروز رستاخیز و سیاهکل و سیاهکل علیه دیکتاتوری شاه گردند.

شاخه کیلان که از مدتها قبل انتظار چنین حرکاتی را داشت علاوه بر بتدارک برای برگزاری میتینگ در سیاهکل و در صورت

عدم امکان، تظاهرات پرداخته بود. تا این پیش بینی و علیرغم اهمیت تمهیدات و مانورهای رژیم جمهوری اسلامی حدود ۵۵ هزار نفر از انقلابیون و مبارزان سرتا سر کیلان در لاهیجان و بخصوص در منطقه "برده سر" گرد آمده بودند.

حدود ظهر بود که علیرغم فشارها و اخطارهای نیروهای سرکوبگر، و بخطر افتادن قسمتی از امکانات بتدارکات تظاهرات آغاز شد و تظاهرات جموحشیانه نیروهای سرکوبگر، سیاهکل و سداران و جماع بدستان و قهقهگان آغاز گردید. و خشکری آنها بعدی بود که پس از شناسایی انقلاب، پرشوری در کمال بهر خمی او را بر برگرفتند و سپس جسدها را در درون ماشین انداخته و محنه را ترک گفتند.

با تمام این فشارها تظاهرات بپراکنده تا ساعتی بعد ادامه یافت و تنها نیروهای سرکوبگر توانستند با ولع تمام به شکار انقلابیون بپردازند و بیش از جهل تن از آنها را دستگیر کنند.

رشت

عصرها شروز نیز میتنگی در محله سردار جنگل برگزار شد که در آن بیش از چهار صد نفر شرکت کرده بودند. میتینگ در آراش برگزار شد و رفقانوانتند پیام سازمان در مورد قیام خلق و رستاخیز سیاهکل را که برای مراسم ۱۷ بهمن ماه میدان آزادی تهیه شده بود بخوانند و نگاه قبل از آنکه نیروهای سرکوبگر دولت جمهوری اسلامی سر برستند، پراکنده شوند.

قسمتهائی از پیام زندانیان سیاسی زندان اوین بمناسبت دومین سالگرد قیام بهمن ماه ۵۷

مردم مبارزان انقلابی!
در آستانه دومین سالگرد قیام شکوهمند بهمن ماه، سالروز تیلور قهر انقلابی خلق و سرکوبی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه جنایتکار و در حالیکه تنها دوسال از بازگشتی درب زندان های سیاسی بدست توانای شما میگذرد، زندانیان سیاسی درودهای آتشین و تبریک انقلابی خود را به مناسبت دومین سالگرد قیام، بنابر شما خلق سنگشیده می نمایند.

هنوز خون کفن های گلگون شهدا نخشیده، زندانیان سیاسی آنچنان در زیر فشارهای غیر انسانی قرار میگیرند که بناچار دست به اعصاب غذا میزنند و بگذار زندانیان به خیال خود عوام فریبی کنند و بگویند که زندانیان ما را شکنجه می کنند! برآستی شکنجه گر کیست بررید خلق یا آنها که خون خلق را و شیفته حاکمیت ارتجاعی خود کرده اند؟

مردم مبارزان ایران!
در حالیکه دومین سالگرد قیام خونین

بهمن را جشن میگیریم، نا همدان هستیم که دستاوردهای آن با یمال شد و فرزندان شما به ناحق به جرم بیان خواسته های بحق توده ها در زندانها بسر میبرند. ما تنها شما متکی هستیم و برای ادامه مبارزه از شما استمداد می طلبیم، درب زندانها دوباره بدست توانای شما گشوده خواهد شد و شما هرگز نخواهید گذاشت که در روز دوازدهم بهمن با امپریالیسم بر سر خون شهدا معامله شود. ما از تمام نیروهای انقلابی می خواهیم که نسبت به سرکوب آزادیهای دمکراتیک و بسته بند کشیدن و شکنجه انقلابیون اعتراض و آزادی زندانیان سیاسی را در سالروز قیام پرشکوه بهمن ماه با توده های مبارز فریاد کنند.

"پیروزیها دمبارزات فدائیمربالستی- دمکراتیک خلفهای ایسران

زندانیان سیاسی اوین
(فدا میریالیست - فدا ارتجاع)

با درود به همه رفقا و هموواداران سازمان که طی چند روز اخیر با از خود گذشتگی فداکاری ایمان و انضباط کمونیستی، وظایف محوله از سوی سازمان را بمنظور بزرگداشت سالروز قیام مسلحانه خلق و رستاخیز سیاهکل به بهترین وجه انجام رسانند.

تلاش و پیگیری رفقان در بتدارک و اجرای مراسم سازمان در روز ۱۷ بهمن که از ایمان کمونیستی فداشی خلق به طبقه کارگر و توده های مردم ناشی می شود، برآستی قابل تحسین بود. البته فداشی خلق که تنها به مناسبت طبقه کارگر و توده های زحمتکش نیست

می اندیشد، حتی در دشوارترین شرایط و در زیر شکنج ترین وظایف هیچگاه به تمجید و تحسین نمی اندیشد و نیازی ندارد. اما این آمادگی و فداکاری رفقا از آن جهت قابل اهمیت بود که نشان داد پس از ضرباتی که از سوی خیانت - پیشگان "کمیته مرکزی سرکوبگر سازمان" وارد آمد، ما اکنون توانسته ایم خود را برای انجام وظایف سنگین در آینده آماده سازیم. اینکه رفقای بخش تبلیغات در مدت چند روز سراسر تهران را زیر پوشش تبلیغات قرار دادند. اینکه رفقای کارگرونیما دعوتها به همدستی سازمان را در کارخانه ها پخش کردند، اینکه رفقای دانش آموز علیرغم تمام فشار سرکوب با سداران، پلیس، کمیته جی ها، و فالانژهای حزب اللهی با فداکاری و از خود گذشتگی اعلامیه ها، تراکتها، و نشریات دیگر سازمان را

بازداشت مادران شهدای فدائی خلق

تعدادی از مادران فدائیان شهید که بمنظور شرکت در مراسم بزرگداشت سالروز شهدای فدائی خلق رفق، تومناج، مخموم، جرجانی و واحدی به گنبد رفته بودند، بازداشت شدند. دولت جمهوری اسلامی بی شرمی را بجاشی رسانده است که حتی از بازداشت خانواده شهدا هم که علیه رژیم شاه بهپا داشتند، مبارزه کردند و جان باختند، نیز باشی ندارد. این اقدام رژیم که مورد تهنیت و استنزاز هم وطنان مبارز است، شدیداً محکوم است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن محکوم کردن این اقدام رژیم جمهوری اسلامی خواستار آزادی هر چه فوری مادران شهداست.

پیامهائی که بمناسبت سالگرد قیام خلق و سالروز رستاخیز سیاهکل به سازمان رسیده است.

- A.M.F اتحادیه مراکشیها در فرانسه
- M.T.I خانه کارگران مهاجر
- A.T.T اتحادیه کارگران تونس
- A.T.T اتحادیه کارگران ترک
- A.T.A اتحادیه کارگران الجزایری
- F.T.A.N اتحادیه کارگران آفریقای سیاه
- چپ انقلابی شیلی (میر)
- سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
- سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر راه کارگر
- جناح چپ اکثریت
- زندانیان سیاسی
- کارگران پیشرو تهران
- کارگران پیشرو دوبراهن
- دانشجویان پیشگام
- دانش آموزان پیشگام

و سیما بخش نمودند. همه بیباکتر این آمادگی بود. رفقا! علیرغم تمام فشارها و تهدیدهای هیئت حاکمه و تلاش های ضدوچاهانه "کمیته مرکزی" استقبال وسیع مردم از مراسم سازمان بمنظور بزرگداشت سالروز قیام و رستاخیز سیاهکل نشان داد که توده های وسیع هوادار به خیانت کاران "کمیته مرکزی" پشت کرده و با پرورتونیم را ست تا حد زیادی ایزوله شده است. بر این با درک شرایط بحرانی کنونی و روند روز افزون بار خاسی بوده ها و ورشکستگی اپورتونیم راست و نمشی که سازمان میتواند و با بد در جنبش کمونیستی ایران ایفا کند، وظایفی سنگین بر بردوش سازمان قرار گرفته است. این وظایف حکم میکنند که از این پس تلاشهای خود را دوبرابر کنیم، و با هرگونه سستی، عدم تحرک و خصم سبب روشنگرانه دیگر بخت مبارزه کنیم. با بدفعالانه در مبارزه توده ها شرکت نمائیم و پیگیرانه به امر آگاهی سازماندهی توده ها بپردازیم.

رفقا و هواداران سازمان باید تلاشهای خود را دوبرابر کنید. مواضع سازمان را وسیعاً در میان توده ها تبلیغ و ترویج کنید و سربازان سازمان را حتی در دشوارترین شرایط بدست توده ها برسانند. با این امید که بتوانیم وظایف خود را در قبال طبقه کارگر و توده های زحمتکش میهن مان بسا شایستگی بیک فداشی خلق انجام دهیم.

تور و جنایتکارانه علی فدائی توسط تورویستهای جمهوری اسلامی

اقدام جنایتکارانه ترور یکی از دبیران مبارز کرمان توسط تورویست های جمهوری اسلامی لکه ننگ دیگری است بر چهره جمهوری اسلامی. رژیم می که برای سرکوب مخالفان خود سینه کشف ترین و فاشیستی ترین شیوه ها تنول می جوید.

رژیم جمهوری اسلامی که بر سر است با نگاه خود را در میان توده ها از دست می دهد، برای حفظ موجودیت خود به اعمال جنایتکارانه ای نظیر ترور مبارزان، با تش کشیدن کنا فروشها، سازماندهی باندهای سیاه، حمله به تظاهرات و میتینگها دست زده است.

رژیم جمهوری اسلامی در حالیکه خود سازمانده این اعمال جنایتکارانه است، به محکوم کردن این اقدامات می پردازد، اما اکنون بر بسیاری از هم وطنان ما روشن شده است که فالانژ های حزب اللهی که به این اعمال جنایتکارانه دست میزنند، چا توکوش ها، دزدها و ولگردان حرفه ای هستند که رژیم جمهوری اسلامی آنها را سازماندهی کرده، برای اجرای اعمال جنایتکارانه خود و ایجاد جو آراب و وحشت از آنها استفاده می کند.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر